



آیهت الله سید محمد رضا مغزی، طباطبائی، یزدی، دست‌نویس

چاپ: دوم با تصحیح و ویرایش جدید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دو فرمان الهی برای امت برتر: گفتاری فشرده و جامع پیرامون امر به معروف و نهی از منکر

نویسنده:

محمد رضا مدرسی یزدی

ناشر چاپی:

ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر استان یزد، معاونت فرهنگی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۸	دو فرمان الهی برای امت برتر : گفتاری فشرده و جامع پیرامون امر به معروف و نهی از منکر
۸	مشخصات کتاب
۸	اشاره
۱۴	فهرست مطالب
۱۹	مقدمه ی چاپ دوم
۲۱	مقدمه ی چاپ اول
۳۱	عظمت دو فریضه ی
۳۱	اشاره
۳۳	ضرورت عقلی این دو فریضه
۳۶	برکات امر به معروف و نهی از منکر
۳۸	نسبت این دو فریضه با سایر واجبات
۴۱	واژگون نمودن این دو فریضه، علامتِ نفاق
۴۳	امر به معروف و نهی از منکر،
۴۳	اشاره
۴۴	الف. سطح اول (عموم مردم)
۴۸	ب. سطح دوم (نخبگان)
۵۱	ج. سطح سوم (دولت مردان)
۵۳	واژه هایی که نیازمند تبیین اند
۵۳	اشاره
۵۵	معروف و اقسام و مراتب آن
۵۷	منکر و اقسام و مراتب آن
۵۹	شرایط چهارگانه ی وجوب

- ۵۹ ..... اشاره
- ۶۰ ..... الف. دو نوع علم و آگاهی، شرط امر و نهی است
- ۶۰ ..... اشاره
- ۶۶ ..... تفاوت دو نوع علم، و حرمت تجسس
- ۶۸ ..... نمونه ای از تجسس بی مورد
- ۷۱ ..... عدم وجوب امر به معروف و نهی از منکر نسبت به مکلف معذور و ارائه ی چند نمونه
- ۷۵ ..... لزوم نهی از منکر در برخی شبهات موضوعیه
- ۷۶ ..... ب. احتمال تأثیر
- ۷۹ ..... ج. اصرار بر گناه
- ۸۰ ..... د. ایمن بودن از ضرر و فساد
- ۸۵ ..... لزوم هشیاری در برابر فضا سازی ها
- ۸۷ ..... مراتب امر به معروف و نهی از منکر
- ۸۷ ..... اشاره
- ۸۸ ..... اساس روش اسلام در دعوت به راه حق و لزوم رعایت مدارا
- ۹۰ ..... استفاده از برخورد تند در موارد ضروری
- ۹۰ ..... اشاره
- ۹۴ ..... الف. انکار قلبی، مرتبه ی اول امر به معروف و نهی از منکر
- ۹۶ ..... ب. تذکر زبانی، مرتبه ی دوم امر به معروف و نهی از منکر
- ۹۶ ..... اشاره
- ۹۷ ..... کاربرد روش های متفاوت در امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۰۱ ..... ج. اعمال قدرت، مرتبه ی سوم امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۰۱ ..... اشاره
- ۱۰۲ ..... موارد اعمال قدرت در امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۰۶ ..... وظیفه ی حاکم اسلامی در جلوگیری از منکر

- ۱۰۹ ..... علی عدم اهتمام لازم به
- ۱۰۹ ..... اشاره
- ۱۱۰ ..... عدم آگاهی از اهمیت و ثمرات شیرین امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۱۱ ..... عدم آگاهی از پیامدهای ناگوار ترک امر به معروف و نهی از منکر
- ۱۱۴ ..... احساس ضعف در شخصیت عمومی و دینی
- ۱۱۹ ..... توهّم ضرر بر جان و مال
- ۱۲۰ ..... فضای منفی، پرداخته ی معاندان
- ۱۲۳ ..... بیان یکی از بهترین روش های امر به معروف و نهی از منکر و تبیین کیفیت تأثیر آن
- ۱۲۳ ..... اشاره
- ۱۲۶ ..... الف. راه مثبت
- ۱۲۸ ..... ب. راه منفی
- ۱۲۸ ..... اشاره
- ۱۳۰ ..... رفع یک شبهه
- ۱۳۷ ..... درباره مرکز

## دو فرمان الهی برای امت برتر: گفتاری فشرده و جامع پیرامون امر به معروف و نهی از منکر

### مشخصات کتاب

سرشناسه: مدرسی، محمدرضا، ۱۳۴۲-

عنوان و نام پدیدآور: دو فرمان الهی برای امت برتر: گفتاری فشرده و جامع پیرامون امر به معروف و نهی از منکر/محمدرضا مدرسی یزدی؛ ویراستار حمیدرضا ترابی.

مشخصات نشر: یزد: ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر استان یزد، معاونت فرهنگی، ۱۳۸۵.

مشخصات ظاهری: ۳۸ ص.

شابک: ۵۰۰۰ ریال

یادداشت: فیپا

عنوان دیگر: گفتاری فشرده و جامع پیرامون امر به معروف و نهی از منکر.

موضوع: امر به معروف و نهی از منکر.

شناسه افزوده: ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر استان یزد. معاونت فرهنگی.

رده بندی کنگره: ۹۵۴م/BP۲۲۶/۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۳۷۷۵

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۵-۳۵۷۶۶

ص: ۱

اشاره











ص: ۶

(إِنَّ اللَّهَ

يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ

وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ)

«همانا خداوند

به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد

و از فحشا و منکر و ستم، نهی می کند

خداوند به شما پند می دهد، شاید متذکر شوید.»

النحل : ۹۰

ص: ۷

**فهرست مطالب**

مقدمه‌ی چاپ دوم ۱۱

مقدمه‌ی چاپ اول ۱۳

عظمت دو فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر ۲۳

ضرورت عقلی این دو فریضه ۲۵

برکات امر به معروف و نهی از منکر ۲۸

نسبت این دو فریضه با سایر واجبات ۳۰

واژگون نمودن این دو فریضه، علامت نفاق ۳۳

امر به معروف و نهی از منکر، بر عهده‌ی چه کسانی است؟ ۳۵

الف. سطح اول (عموم مردم) ۳۶

ب. سطح دوم (نخبگان) ۴۰

ج. سطح سوم (دولتمردان) ۴۳

واژه‌هایی که نیازمند تبیین اند ۴۵

معروف و اقسام و مراتب آن ۴۷

منکر و اقسام و مراتب آن ۴۹

شرایط چهارگانه‌ی وجوب امر به معروف و نهی از منکر ۵۱

الف. دو نوع علم و آگاهی، شرط امر و نهی است ۵۲

ص: ۸

تفاوت دو نوع علم، و حرمت تجسس ۵۸

نمونه ای از تجسس بی مورد ۶۰

عدم وجوب امر به معروف و نهی از منکر نسبت به مکلف معذور و ارائه ی چند نمونه ۶۳

لزوم نهی از منکر در برخی شبهات موضوعیه ۶۷

ب. احتمال تأثیر ۶۸

ج. اصرار بر گناه ۷۱

د. ایمن بودن از ضرر و فساد ۷۲

لزوم هشاری در برابر فضا سازی ها ۷۷

مراتب امر به معروف و نهی از منکر ۷۹

اساس روش اسلام در دعوت به راه حق و لزوم رعایت مدارا ۸۰

استفاده از برخورد تند در موارد ضروری ۸۲

الف. انکار قلبی، مرتبه ی اول امر به معروف و نهی از منکر ۸۶

ب. تذکر زبانی، مرتبه ی دوم امر به معروف و نهی از منکر ۸۸

کاربرد روش های متفاوت در امر به معروف و نهی از منکر ۸۹

ج. اعمال قدرت، مرتبه ی سوم امر به معروف و نهی از منکر ۹۳

موارد اعمال قدرت در امر به معروف و نهی از منکر ۹۴

وظیفه ی حاکم اسلامی در جلوگیری از منکر ۹۸

علل عدم اهتمام لازم به امر به معروف و نهی از منکر ۱۰۱

عدم آگاهی از اهمیت و ثمرات شیرین امر به معروف و نهی از منکر ۱۰۲

عدم آگاهی از پیامدهای ناگوار ترک امر به معروف و نهی از منکر ۱۰۳

احساس ضعف در شخصیت عمومی و دینی ۱۰۶

توهم ضرر بر جان و مال ۱۱۱

فضای منفی، پرداخته‌ی معاندان ۱۱۲

ص: ۹

بیان یکی از بهترین روش‌های امر به معروف و نهی از منکر و تبیین کیفیت تأثیر آن ۱۱۵

الف. راه مثبت ۱۱۸

ب. راه منفی ۱۲۰

رفع یک شبهه ۱۲۲





ص: ۱۱

**مقدمه ی چاپ دوم**

امیرمؤمنان ۷ در سخنی راهبردی می فرماید:

العَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ؛<sup>(۱)</sup>

دانای به زمان خود، مشتبهات بر او هجوم نمی آورد.

بر پایه ی این رهنمود گران قدر، زمان، زمانه و مقتضیات مسائل، نیازها و ضرورت های آن، از ویژگی های عالمان ربّانی و فقیهان بلند پایه ی مکتب اهل بیت: بوده است. مبحث فقهی دو فرمان برترِ الهی با چنین نگاهی در موضوع مهمّ امر به معروف و نهی از منکرِ إلقاء و تحریر

---

۱- بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۲۶۹.

ص: ۱۲

گردید؛ و اینک با تتمیم قابل ملاحظه‌ای به قلم مؤلف ارجمند و استاد بزرگوار حضرت آیت الله حاج سید محمد رضا مدرّسی طباطبایی یزدی دامت افاضاته تجدید چاپ می شود.

در پیشگاه با عظمت حضرت حقّ جلّ اسمه بر همه‌ی نعمت‌های ظاهر و باطن، جبهه‌ی شکر می‌ساییم، و توفیق بهره‌مندی هرچه بیش‌تر جامعه‌ی دینی از بیان و بنانِ پر برکتِ معظّم له را از خداوند متعال مسألت می‌نماییم. در پایان، خاشعانه، متواضعانه و با اعتراف به تقصیر، این اثر را به ساحتِ مقدّسِ حضرت سید الشهدا ۷ امام، اسوه و افتخارِ آمرین به معروف و ناهین از منکر برای همه‌ی عصرها و نسل‌ها تقدیم می‌داریم. به امید آن که قبول افتد و شفاعت آن بزرگوار همه را دریابد.

حمیدرضا ترابی گیلانی

دی ماه ۱۳۹۰

ص: ۱۳

## مقدمه ی چاپ اول

آن چه از پی می آید گفتاری است از فقیه فرزانه حضرت آیت الله حاج سید محمّد رضا مدرّسی طباطبایی یزدی زید عزّه العالی پیرامون دو فریضه ی پر برکت امر به معروف و نهی از منکر. این مجموعه در حقیقت، بیانی فشرده و جامع و در عین حال گویا می باشد که به همت ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر استان یزد و کمک صدا و سیمای استان، تهیه و طی برنامه ای از سیمای مرکز استان یزد پخش گردید و سپس با تغییرات اندکی توسط این کمترین، از حالت گفتاری به حالت نوشتاری درآمد. گفتنی است که تمام موارد یاد شده، به نظر مبارک استاد

ص: ۱۴

رسید و با حذف و اضافاتی مورد تأیید ایشان قرار گرفت، و امید آن دارم که به شرف تأیید و امضای نازنین آقا بقیه الله الأعظم امام زمان نیز برسد و استاد بزرگوار و همه‌ی کسانی که در این راستا تلاش کردند، مورد نظر و عنایت خاص حضرتش واقع شوند إن شاء الله.

آنان که خاک را به نظر کیمیا کنند

آیا شود که گوشه‌ی چشمی به ما کنند

در این جا مناسب است نکاتی چند، از باب باقیات الصالحات یادآوری گردد(۱):

نکته‌ی اول: سفارش به امر به معروف و نهی از منکر، پیام و ندای فطرت پاک انسان است و دین اسلام هم، به خاطر هماهنگی کاملی که با فطرت دارد، خداجویان را بدان توصیه فرموده است؛ لذا اگر کسی در آن تردید روا دارد، نه فقط در تدینش بلکه در سلامت فطرت خویش باید شک کند. از ریشه‌های فطری گرایش به این

---

۱- بعضی از این نکات، مطالبی است که پیشتر از این هم عده‌ای از اهل نظر به نوعی بدان اشاره کرده‌اند. خدای پاداش خیرشان دهد. (ویراستار)

ص: ۱۵

دو فریضه که از فوائد آن نیز به حساب می آید، موارد زیر را باید نام برد:

۱. تحصیل خوشنودی پروردگار جهان و احساس رضایت مندی درونی به خاطر دفاع از خوبی‌ها و مخالفت با کثرتی‌ها؛

۲. ترویج حقیقت و معارف صحیح و جلوگیری از عقاید پوچ و باطل؛

۳. نشر ارزش‌های انسانی، اصلاح و ارتقای اخلاق و فضائل اخلاقی، پالایش رزائل اخلاقی و نزدیک شدن به آرمان‌مدینه‌ی فاضله؛

۴. ردّ ستمگر، یاری ستم‌دیده و بازگرداندن حقّ مظلوم؛

۵. بازیابی و حفظ کرامت، عزّت و عظمت الهی انسان و جامعه‌ی بشری.

نکته‌ی دوم: در آسیب‌شناسی جامعه، به نظر می‌رسد از مهم‌ترین عوامل عقب‌ماندگی و انحطاط مسلمانان در قرون اخیر، همانا کم‌رنگ شدن و ترک این دو فریضه در عرصه‌های فکری، فرهنگی و سیاسی بوده است، و امروزه که به برکت مجاهدات امام راحل ره و شهیدان گران‌قدر و صلابت مقام معظم رهبری دامت برکاته و

ص: ۱۶

امت وفادار، تولدی دوباره یافته و نشانه های بنای تمدن جدید و بزرگ اسلامی پدیدار گشته، احیای این دو فرمان الهی، ضرورتی دو چندان پیدا کرده است. پیش نیاز این روی کرد جدید، عبارت است از: نفی تسامح و تساهل خود ساخته در احکام شریعت، و در عوض، روی آوردن به صداقت و صراحت خیرخواهانه و البته حکیمانه در سلوک فردی و اجتماعی.

نکته ی سوم: انجام این دو فرمان الهی همواره با دشواری هایی روبروست، هم چون:

۱. جهالت و عدم شناخت صحیح و جامع از این دو فریضه؛
۲. اشتباه گرفتن آن با دخالت در کار غیر؛
۳. راحت طلبی و به خوداندیشی؛
۴. عادات و رسوم زشتی که از گذشته به ارث رسیده؛
۵. مقاومت عدّه ای که منافع مادی آن ها در ترویج منکرات است؛
۶. سازگاری منکرات با طبیعت حیوانی و هواهای نفسانی؛
۷. سهل انگاری و تسامح بعضی از خواص،

ص: ۱۷

نسبت به مقدمات منکرات؛

۸. گفتمان غیردینی و شیب تند فرهنگی در پاره‌ای از بخش‌های جامعه به سمت ضد ارزش‌ها؛

۹. اجرای نا صحیح این دو فریضه توسط افراد ناصالح؛

۱۰. توطئه و تهاجم فکری و فرهنگی برنامه ریزی شده‌ی دشمن.

راه کار مقابله‌ی با هر یک از این دشواری‌ها را باید به تناسب همان، جستجو نمود؛ مثلاً:

۱. اطلاع رسانی عمومی درباره‌ی فضیلت، اهمیت و فواید اجرای این دو فرمان الهی و نیز خطرات و تهدیدات ناشی از کوتاهی در قبال آن؛

۲. تبیین ساختار نظام مند برای این دو فریضه و تعریف آن برای سیستم اجتماعی و سیاسی جامعه؛

۳. بازخوانی سیره‌ی عملی اهل بیت: و الگوپذیری از آن در انجام آن دو فریضه؛

۴. کسب شناخت دقیق و علمی و به روز از اوضاع و شرایط مناطق مختلف کشور؛

۵. گسترش مطالعات رفتارشناسی امر به



ص: ۱۸

معروف و نهی از منکر نسبت به اقشار مختلف و سنین متفاوت؛

۶. بسیج و سازماندهی و آموزش فقهی و اخلاقی و عملی؛

۷. تربیت مربیان آموزش عملی امر به معروف و نهی از منکر؛

۸. تدوین برنامه‌های آموزش خانواده برای ارتقای فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر؛

۹. الگوسازی عملی از میان اقشار مختلف و سنین متفاوت، جهت ترویج کارهای نیک؛

۱۰. مطالعات علمی کاربردی برای ارائه‌ی نمونه و الگوی مطلوب شرع، در برگزاری مجالس شادی و عروسی و جشن، برای پیراستن این گونه مجالس از گناه و مفاسد.

نکته‌ی چهارم: این دو فرمان الهی همان طور که از منظر فقهی، دارای احکام و شرایطی است، از جنبه‌ی اخلاقی و عرفانی هم آداب و اسرار و لطایفی دارد که نباید از نظر دور بماند (۱)، کما

۱- از جمله مبانی عرفانی امر به معروف و نهی از منکر، باید از غیرت اولیای خدا نسبت به هتک حریم اوامر و نواهی حضرت حق یاد کرد؛ زیرا عارف نمیتواند آرام بنشیند و ناخرسندی محبوب ابدی و ازلیش را نظاره کند. لذا به راه میافتد و درصدد بر میآید تا همه چیز را آنگونه که مطابق میل محبوب است و او میسندد تغییر دهد. هم چنین وفاداری به محبوب اقتضای آن دارد که جانب او را در جمیع امور نگه دارد. در احادیث هم اشاراتی به این معنا شده است، چنان که از پیامبر اعظم ۹ نقل شده که فرمود: «جبرئیل نزد من آمد و گفت: ای احمد! اسلام بر ده سهم است و زیان کرده کسی از هر کدام از این ده سهم نصیبی نبرد ... هفتم امر به معروف است و آن وفاست و هشتم نهی از منکر است و آن حجت است.» و سائلالشیعه، ابواب مقدمات عبادات، باب ۱، حدیث ۲۳. و نیز در باب یکم از ابواب امر و نهی در حدیث سیزدهم، از آن وجود مقدس نقل شده است که فرمود: «ان الله عزوجل لیبغض المؤمن الضعیف الذی لا دین له»، فقیل ما المؤمن الضعیف لا دین له؟ قال: «الذی لا ینهی عن المنکر»؛ (و در حدیث بیست و دوم همان باب، به جای عبارت «لا دین له» عبارت «لا زبر له» وارد شده و ذیل آن آمده: قال الصدوق / وجدت بخط البرقی: الزبر؛ عقل) به راستی که خداوند از مؤمن ناتوانی که دین (یا عقل) ندارد، بدش میآید. عرض شد: او کیست؟ فرمود: کسی که نهی از منکر نمیکند. (ویراستار)

ص: ۱۹

این که از جهات علمی و اجرایی نیز نیازمند کسب مهارت‌هایی هم چون شجاعت اخلاقی می باشد. به علاوه، برخورداری از صفاتی مانند: حلم، بردباری، خوش خویی و خوش رویی، کمک مؤثری برای انجام این دو فریضه خواهد بود. هم چنین توجه به نکات زیر برای توفیق یافتن در اجرای مؤثر امر به معروف و نهی از

ص: ۲۰

منکر لازم به نظر می‌رسد:

۱. متانت در رفتار، آرامش در گفتار و پرهیز از شتاب زدگی و بی‌حوصلگی؛

۲. انتخاب و به‌کارگیری بهترین، کوتاه‌ترین و رساترین کلمات و واژه‌ها و تعابیر برای اشخاص و موقعیت‌های مختلف؛

۳. اقدام به احسان و نیکی پیش از ارشاد، و برخورد انسانی و محبت‌آمیز حین انجام فریضه؛

۴. عدم توقع اثربخشی فوری و معجزه‌آسا؛

۵. و مهم‌تر از همه، ارتقای نیت و انگیزش‌های معنوی و الهی در خود.

نکته‌ی پنجم: با لحاظ آن‌چه گذشت، سرّ مزیت‌ها و فضیلت‌هایی که برای امرکنندگان به معروف و نهی‌کنندگان از منکر از سوی پیامبر اعظم ۹ بیان شده، روشن می‌گردد. بعضی از آن مزایا و فضیلت‌های افتخارآمیز، عبارتند از:

۱. جانشین خدا، رسول و کتابش: هرکس امر به معروف و نهی از منکر کند، جانشین خدا روی زمین و خلیفه‌ی رسول خدا و کتاب خداست. (۱)

---

۱- الفردوس بمأثور الخطاب، ج ۳، ص ۵۸۶. (ویراستار)

ص: ۲۱

۲. شریک عمل خوبان: سفارش کننده ی به خوبی ها هم چون انجام دهنده ی آن است (۱). هر کس دیگران را به خوبی امر کند یا از بدی باز دارد، و لو با اشاره و راهنمایی، شریک کار است. (۲)

۳. پاداشی مثل اولین یاران پیامبر ۹: به گروهی از ائمه پاداشی مثل اجر اولین یارانم داده می شود؛ آن ها کسانی هستند که اهل نهی از منکرند. (۳)

۴. هم چون شهید: امرکننده ی به نیکی و نهی کننده ی از بدی (هم چون) شهید است. (۴)

چون بنا بر اختصار می باشد، به همین مقدار کم اکتفا نموده، عرضه می دارم:

بار خدایا! از لغزش های احتمالی، در گذر؛

۱- کنز العمال، ج ۳، ص ۷۳. (ویراستار)

۲- خصال، ج ۱، ص ۱۳۸. (ویراستار)

۳- مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۲۷۱. (ویراستار)

۴- الأمر بالمعروف و الناهی عن المنکر شهید: مسند زید، ص ۳۱۶. البته وجه این تشبیه نیازمند تفصیل در سخن است. ولی هر چه که باشد، نشانگر فضیلت برپا دارندگان این دو فریضه است. (ویراستار)

ص: ۲۲

این نوشته ی ناچیز و بی بها را به شرف قبول از جانب خودت ارزشمند و قیمتی ساز؛ و نانوشته های ما را نیز به حساب آر و کریمانه بدان پاداش ده؛ پاداشی که در خور شأن تو باشد.

یا مَنْ يُعْطَى الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ!

ما در ره عشقِ تو اسیرانِ بلائیم

کس نیست چنین عاشقِ بی چاره که ماییم

بر ما نظری کن که در این شهر، فقیریم

بر ما کرمی کن که در این شهر، گداییم

حمیدرضا ترابی گیلانی

قم مقدسه، شهریور ۱۳۸۵

ص: ۲۳

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

**عظمت دو فریضه ی****اشاره**

امر به معروف و نهی از منکر

قال الله تبارك و تعالی:

(كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ)؛(۱)

شما بهترین امتی هستید که پدیدار شدید؛ (چه این که) امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید.

خداوند متعال در این آیه ی شریفه، یکی از

۱- سوره ی آل عمران، آیه ی ۱۱۰.

ص: ۲۴

علل برتری امت اسلام را امر به معروف و نهی از منکر دانسته و می فرماید: شما بهترین امتی هستید که پدیدار شدید؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر می کنید. (۱) از این آیه ی مبارکه و آیات دیگر کلام الله، عظمت امر به معروف و نهی از منکر استفاده می شود. در بسیاری از آیات

۱- تفسیر آیه به این روش بنابر این است که جمله ی (تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ) علت برتری امت اسلام بر سایر امت ها باشد، و استفاده ی این معنا با احتمال این که جمله وصف برای (خَيْرٌ أُمَّةٍ) بوده و وصف بعد از وصف باشد یا حال برای ضمیر (أُخْرِجَتْ) باشد یا جمله ی مستأنفه باشد، تفاوتی نمی کند؛ چون اگر جمله ی مستأنفه باشد نظیر این است که گفته شود: فلانی کریم است، مردم را اطعام می کند، درماندگان را یاری می کند و ... و حتی اگر جمله خبر بعد از خبر باشد بنابر آن که (كُنْتُمْ) ناقصه استعمال شده باشد نه تامه، باز دال بر عظمت امر به معروف و نهی از منکر است؛ زیرا خداوند متعال در مقام مدح، چنین خبری را آورده است. در این جا پرسشی از قدیم مطرح بوده است که چرا با وجود آن که تکلیف به امر به معروف و نهی از منکر در امت های سابق وجود داشته است، اما به عنوان مدح امت اسلامی ذکر گردیده است؟ پاسخ های گوناگونی ارائه شده که یکی از بهترین آن ها این است که امت های سابق به این دستور عمل نکردند مگر مقدار کمی که به حساب نمی آید، به خلاف امت اسلام که حداقل به برکت امامان معصوم: و در مرتبه ی بعد، پیروان مخلص ایشان این دستور بزرگ را جامه ی عمل پوشاندند.

ص: ۲۵

قرآن کریم، انجام وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، از نشانه‌های ایمان شمرده شده است؛ خداوند متعال می‌فرماید:

(و الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ)؛ (۱)

مردان و زنان مؤمن، اولیای یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

هم‌چنین در روایات متعدّد در سنت رسول اکرم ۹ و ائمه‌ی هدی: درباره‌ی امر به معروف و نهی از منکر و عظمت این دو فریضه‌ی بزرگ، مطالب بسیاری آمده است که به پاره‌ای از آن‌ها اشاره خواهیم نمود *إن شاء الله*.

### ضرورت عقلی این دو فریضه

علاوه بر راهنمایی‌های دین، عقل هم به عظمت و اهمّیت این دو فریضه اعتراف دارد و آن را تأیید می‌نماید. در دیدگاه عقل، امر به معروف و نهی از منکر، از ضروریات یک

---

۱- سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۷۱.



ص: ۲۶

اجتماع پیشرفته است. در واقع، امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک نیاز ضروری برای امروز جامعه و عامل رشد و پیشرفت فردای آن به شمار می رود؛ زیرا جامعه هم چون یک مجموعه ی دارای اجزای مرتبط، می توان آن را به یک موجود زنده و پیکر فعال و دارای حیات تشبیه کرد که از یک سو در حال رشد است و از سوی دیگر حیاتش در معرض آفات و امراض و حوادث می باشد و خطراتی، اصل زندگی و نیز رشدش را تهدید می کند. بدین جهت، همان گونه که در بدن یک موجود زنده در هنگام آفرینش، سامانه هایی برای رشد و تداوم حیات قرار داده شده و نیز عوامل و ابزارهایی برای دفع آفات و مقابله ی با میکروب ها و ویروس ها و هر چیزی که ممکن است حیاتش را تهدید کند، معین گردیده، هم چنین در درون یک نظام کامل اجتماعی نیز باید سامانه هایی وجود داشته باشد که آن را از آسیب ها مصون بدارد و رشد جامعه را تضمین کند. به عبارت دیگر، نظام پیشرفته و کارآمدی که می خواهد از هر حیث نیازهای جامعه را مورد توجه قرار دهد و آن ها را برآورده

ص: ۲۷

سازد، باید در درونش سامانه‌هایی پیش‌بینی شود تا این دو وظیفه‌ی مهم را به عهده گیرد:

یکی این که اجتماع را از فساد و تباهی و از هم‌پاشیدگی حفظ کند.

و دیگر آن که رشد و شکوفایی جامعه و سیر تکاملی آن را تضمین نماید.

یکی از سامانه‌های مهمی که در درون نظام اجتماعی اسلام به عنوان یک نظام کامل و پیشرو برای تأمین این دو غرض در نظر گرفته شده، دو فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد که با اقامه‌ی آن‌ها حیات متعالی فرد و جامعه، تأمین می‌گردد. در معنا، امر به معروف و نهی از منکر در جامعه‌ی اسلامی و نظام دینی دو کارکرد مهم و اساسی را هم‌زمان داراست:

الف. به عنوان یک سامانه‌ی حفاظتی، اساس جامعه را از تلاشی نگه می‌دارد؛

ب. به عنوان یک سامانه‌ی کمال‌دهنده، جامعه را به سوی اهداف برتر سوق می‌دهد.

و این چیزی است که هم از تحلیل عقلی این دو فریضه دانسته می‌شود و هم از روایات پیامبر اعظم ۹ و اهل بیت عصمت: به دست می‌آید.

### برکات امر به معروف و نهی از منکر

از خود آیات و روایاتی که در مورد امر به معروف و نهی از منکر وارد شده، می‌توانیم گستره‌ی برکات و تأثیرات این دو فریضه را در زدودن فسادها، رفع کمبودها، اصلاح فرد و جامعه، و تأمین دین و دنیای مردم بشناسیم. از جمله‌ی این روایات، روایتی طولانی است که صاحب وسائل<sup>(۱)</sup> از امام باقر<sup>(۷)</sup> نقل کرده و ما بخشی از آن را ذکر می‌نماییم:

إِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ سَبِيلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ مِنْهَا جُ الصُّلْحَاءِ فَرِيضَةٌ عَظِيمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحُلُّ الْمَكَاسِبُ وَ تُرَدُّ الْمَظَالِمُ وَ تُعَمَّرُ الْأَرْضُ وَ يُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ يَسْتَقِيمُ الْأَمْرُ؛<sup>(۲)</sup>

امر به معروف و نهی از منکر، راه انبیای الهی

۱- وسائلالشیعه إلى تحصیل مسائلالشریعه، یکی از مهمترین منابع حدیثی شیعه میباشد که محدث بزرگوار شیخ حرّ عاملی<sup>(ر)</sup> آن را گردآوری نموده است.

۲- وسائلالشیعه، ج ۱۶، ص ۱۱۹.

ص: ۲۹

و شیوه‌ی صالحان است. وظیفه‌ی بزرگی است که به برکت آن سایر واجبات برپا، راه‌ها امن، کسب و تجارت حلال، ظلم و تجاوز دفع، زمین آباد، اعاده‌ی حق بر گردن متجاوز گذارده و همه‌ی کارها سامان می‌پذیرد.

ملاحظه نمودید که در این روایت مبارک، امام باقر ۷ با بیانی بسیار رسا و شیوا عظمت و اهمیت امر به معروف و نهی از منکر را یادآور شده و پاره‌ای از آثار و برکات آن را برای معاش و معاد مردم برشمردند. در واقع، اگر به این دو فرمان الهی به راستی و درستی عمل شود، بقیه‌ی واجبات هم، محقق می‌گردد و نه تنها امر آخرت مردم تنظیم می‌شود، بلکه کارهای دنیای آن‌ها نیز، اصلاح می‌گردد و به راه درست بازگردانده می‌شود.

بنابراین، در یک کلام با اجرای کامل امر به معروف و نهی از منکر، همه‌ی امور به راه صواب و صحیح هدایت می‌شود. و بالعکس، اگر خدای نکرده این دو فریضه تعطیل گردد یا به طور ناقص انجام شود، جامعه از این برکات و آثار مثبت، محروم می‌گردد و مصالح دنیا و آخرت مردم از کف می‌رود.

### نسبت این دو فریضه با سایر واجبات

دو فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر هم ردیف و در کنار سایر واجبات نیستند، بلکه نسبت به آن ها از نوعی نظارت و برتری برخوردارند و لذا از حیثی ارزش این دو فریضه با هیچ یک از واجبات دیگر، برابری نمی کند، بلکه اساساً قابل مقایسه نیست. از روایاتی که در این باره نقل شده، به خوبی نسبت این دو فریضه با سایر واجبات را می توان فهمید. از جمله، روایت تکان دهنده ای است که مرحوم سید رضی (۱) در نهج البلاغه می فرماید از امیرالمؤمنین ۷ نقل شده است:

«مَا أَعْمَالُ الْبِرِّ كُلُّهَا وَ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عِنْدَ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ إِلَّا كَنْفَتَهُ فِي بَحْرِ لُجِّيٍّ» (۲)

در این روایت شریف، امام علی ۷ که در

۱- از دانشمندان بزرگ اسلامی در قرن چهارم است که در سال ۳۹۵ ه.ق در بغداد متولد گشته و یکی از مهم ترین کارهای او جمع آوری برخی از خطبه ها، نامه ها و سخنان کوتاه امیرالمؤمنین ۷ با نام نهج البلاغه می باشد.

۲- نهجالبلاغه صبحی صالح، حکمت ۳۷۴، ص ۵۴۲.

شهر علم پیامبر اعظم ۹ است، درباره ی امر به معروف و نهی از منکر چنین فرموده:

«تمام کارهای نیک و اعمال خوب، حتّی جهاد در راه خدا(۱)، در مقایسه ی با امر به معروف و نهی از منکر به منزله ی «نَفْثَه» (آب دهان بسیار اندکی) است نسبت به دریای وسیع، کرانه ناپیدا.»

«نَفْثَه» یعنی: آبی که همراه فوت کردن و دمیدن، از دهان بیرون می آید و این حتّی از آب دهان به معنای عادی آن کمتر است.(۲)

۱- گاهی در روایات وقتی گفته می شود جهاد معنای اعمّ اراده می شود؛ یعنی حتّی امر به معروف و نهی از منکر زبانی نیز جهاد است. هم چنین گاهی وقتی امر به معروف و نهی از منکر گفته می شود، شامل جهاد هم می شود. ولی اگر این دو لفظ در کنار یکدیگر قرار گیرند هم چون روایت مذکور از هر یک معنای خاصّ خودش اراده می شود؛ یعنی مراد از جهاد، جنگ در راه خداست و مراد از امر به معروف و نهی از منکر همان مراتب چهارگانه ای می باشد که بعداً خواهد آمد تا آن مقدار که به نبرد منجر نشود.

۲- اگر کسی آب دهانش را بیرون بیندازد، عرب می گوید: «تَقَلَّ» یعنی: آب دهان بیرون انداخت، ولی اگر با دهانش بدمد و همراه دمیدن، مقدار بسیار کمی آب از دهانش بیرون آید، عرب می گوید: «نَفَثَ» یعنی: دمید و فوت کرد و همراه دمیدن، آب دهانش بیرون ریخت، و طبیعی است که این مقدار از آب دهان که با دمیدن، بیرون می ریزد از آن آب دهان معمولی، خیلی کمتر است؛ زیرا در «نَفَثَ» عمده عنایت روی دمیدن است و آب دهانی که همراهش خارج می شود بالتّبع است و بسیار ناچیز می باشد. در آیه ی شریفه ی (وَمِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ) هم، معمولاً این چنین معنا می کنند: «از شرّ زنان دمنده در گره ها» پس اصل و عمده در «نَفَثَ» دمیدن است، ولی ممکن است گاهی همراه دمیدن، آب دهان هم بیرون بیاید.

ص: ۳۲

حال، امام ۷ فضیلت همه ی اعمال نیک را با فضیلت امر به معروف و نهی از منکر مقایسه فرموده و در تعبیر و تشبیه عجیبی می فرماید: اگر تمام اعمال نیک و خوب، حتی جهاد فی سبیل الله که جانبازی در راه خدا و آماده شدن برای شهادت در راه خدا و کشتن دشمنان خداست، در یک طرف قرار گیرد و با امر به معروف و نهی از منکر سنجیده شود، همه ی آن ها به منزله ی آب دهانی است که همراه دمیدن بیرون می آید، در مقابل دریای کرانه ناپیدای پر آب. آری! این است نسبت این دو فریضه به سایر واجبات. پس خوشا به حال جامعه ای که اهل امر به معروف و نهی از منکر باشد و بدا به حال جامعه ای که از این دو واجب، خالی باشد.

### واژگون نمودن این دو فریضه، علامتِ نفاق

قرآن کریم همان طور که امر به معروف و نهی از منکر را از خصایص و ویژگی های مؤمنین بر شمرده، از نشانه های منافقین، این گونه خبر داده است که:

(الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ)؛ (۱)

مردان و زنان منافق، همه از یک گروهند! آن ها (برعکس مؤمنین هستند) امر به منکر، و نهی از معروف می کنند.

بنابراین اگر بخواهیم بر اساس دستورات اسلام، حرکت کنیم و جامعه ی ما یک جامعه ی قرآنی و جامعه ی مؤمنین و مؤمنات باشد، باید اهل امر به معروف و نهی از منکر باشیم. و اگر خدای نکرده جامعه ای تارک این دو فریضه باشد، گرفتار ضرر و زیان شده و درخور بدبختی خواهد بود؛ چرا که ترک امر به معروف و نهی از منکر در حقیقت اعراض و روی گردانی از امر



ص: ۳۴

قرآن است و فرد یا جامعه ای که از دستورات قرآن و عترت: روی بگرداند، از رحمت خداوند متعال دور بوده و رنگِ سعادت را نخواهد دید. مخصوصاً اگر به جای این که امر به معروف کنند، امر به منکر نمایند و به جای این که نهی از منکر کنند، نهی از معروف نمایند، چنین جامعه ای از نظر قرآن کریم، جامعه‌ی منافقین و منافقات خواهد بود و اینان ابداً اهل رستگاری و نجات، نخواهند بود. چنان که متأسفانه گاهی در اجتماع مسلمین دیده می‌شود، عده ای نهی از معروف می‌کنند و کسی را که عمل خوبی انجام می‌دهد، مسخره می‌کنند و مانع او می‌شوند، و چه بسا در مواقعی که فرصت پیدا کنند، ضربه ای به او می‌زنند. این خصوصیت و علامت مردان و زنان منافق است. و خدا در کمین کافران و منافقان می‌باشد. خداوند همه ی ما را اهل امر به معروف و نهی از منکر قرار دهد.

ص: ۳۵

**امر به معروف و نهی از منکر،****اشاره**

بر عهده ی چه کسانی است؟

گفتیم نظام مقدّس اسلام برای حفظ سلامت جامعه و دفع آفات تهدیدکننده و نیز برای تضمین رشد مناسب و درخور جامعه ی اسلامی، دو فریضه ی امر به معروف و نهی از منکر را در نظر گرفته و در درون نظام جای داده است. نکته ی شایسته ی توجه آن است که در نظام اجتماعی اسلام، این دو فریضه در تمام سطوح، مورد نظر و توجه است:

الف. در سطح عموم مردم (امت)؛

ب. در سطح نخبگان؛

ج. و در سطح دولت مردان و کسانی که دارای قدرت اجرایی هستند.

ص: ۳۶

در واقع با آن که در اسلام، امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه‌ی همگانی است و همه در برابر آن مسئول هستند، ولی قشرهایی از جامعه به نحو ویژه مخاطب این دو فریضه‌اند. در حقیقت این گروه‌های خاص از جامعه‌ی اسلامی، به خاطر موقعیت‌ها و توانایی‌های ممتازی که دارا می‌باشند، علاوه بر وظیفه‌ای که همانند دیگر افراد مردم دارند به نحو فوق العاده‌ای، وظیفه‌مند امر به معروف و نهی از منکر می‌باشند.

بر این اساس در یک تقسیم می‌توانیم فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر و وظیفه‌مندان آن را در سه سطح کلی جای دهیم:

### الف. سطح اول (عموم مردم)

قرآن کریم در آیه‌ی شریفه‌ای که فرمود:

(و الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ) (۱)

۱- سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۷۱.

ص: ۳۷

وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر را در سطحِ اَمّت و عمومِ جامعه، معرفی می‌فرماید؛ چرا که همه‌ی اَمّت را به صفتِ امر به معروف و نهی از منکر می‌ستاید.

پس عموم افراد امت اسلامی به گونه‌ای وظیفه‌مند این دو حکم الهی می‌باشند، و وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر اختصاص به افراد یا گروه خاصی ندارد. وجوب امر به معروف و نهی از منکر بر تک تک افراد از روایات متعددی استفاده می‌شود؛ از جمله از امام صادق ۷ روایت شده است:

أَيُّهَا النَّاسُ مُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ؛ (۱) ای مردم! امر به معروف کنید و نهی از منکر نمایید.

و از پیامبر اکرم ۹ روایت شده است:

لَا يَجِلُّ لِعَيْنِ مُؤْمِنَةٍ تَرَى اللَّهَ يُعَصِي فَتَطْرَفَ حَتَّى تُغَيِّرَهُ؛ (۲)

برای چشم با ایمانی که عصیان خداوند را

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۲۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۲۶.

ص: ۳۸

می بیند، روا نیست آن چشم به هم خورد تا این که وضعیت را تغییر دهد.

از مؤیدات بلکه از دلایل وجوب همگانی امر به معروف و نهی از منکر، آیه ی مبارکه ی مرتبط با اصحاب سبت است؛ خداوند متعال می فرماید:

(فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ)؛ (۱)

پس هنگامی که آن چه را بدان تذکر داده شده بودند از یاد بردند، کسانی را که از بدی، نهی می کردند نجات دادیم و کسانی را که ستم کردند، به خاطر فسق و نافرمانی، به عذاب سخت گرفتار نمودیم.

در این آیه خداوند متعال می فرماید فقط نهی کنندگان از منکر را نجات دادیم، وگرنه اگر تارکین نهی از منکر از کسانی که خود کار بد را انجام نمی دادند، نیز نجات یافته بودند، مناسب بود آنان نیز ذکر شوند، در حالی که از نجات آنان سخنی به میان نیامده است، بلکه مشمول ذیل

---

۱- سوره ی اعراف، آیه ی ۱۶۵.

ص: ۳۹

آیه می شوند که خداوند می فرماید: به خاطر فسقشان آنان را به عذاب سخت گرفتار کردیم، و بنابراین تارک نهی از منکر ظالم و فاسق است.

این معنا با روایاتی که در تفسیر آیه نقل شده است نیز تأیید می شود؛ از جمله از امام صادق ۷ روایت شده است:

كَانُوا ثَلَاثَةَ أَصْنَافٍ: صِنْفٌ ائْتَمَرُوا وَآمَرُوا فَنَجَّوْا؛ وَ صِنْفٌ ائْتَمَرُوا وَ لَمْ يَأْمُرُوا فَمَسَّحُوا ذُرًّا؛ وَ صِنْفٌ لَمْ يَأْتَمَرُوا وَ لَمْ يَأْمُرُوا فَهَلَكُوا؛ (۱)

(اصحاب سبت) سه گروه بودند: گروهی که اطاعت کرده و امر به معروف کردند و نجات یافتند؛ و گروهی که اطاعت کرده، ولی امر به معروف نکردند که به شکل مورچه در آمدند؛ و گروهی که نه اطاعت کردند و نه امر به معروف، که نابود شدند.

این آیه گرچه درباره ی غیر اهل دین اسلام است، اما از آن جا که امر به معروف و نهی از منکر در اسلام و برای مسلمین دارای مزیت

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۴۹.

ص: ۴۰

بیشتری است، به ناچار این وجوب برای عموم در دین اسلام نیز خواهد بود، و به هر حال از آیات متعدّد و مجموع روایات، وجوب کفایی امر به معروف و نهی از منکر استفاده می شود.

البته مرتبه ی اوّل امر به معروف و نهی از منکر یعنی انکار قلبی و عدم رضایت به عصیان، واجب عینی است و چنان که در بحث مراتب امر به معروف و نهی از منکر خواهد آمد، هیچ مسلمانی نمی تواند نسبت به نافرمانی خداوند خشنود باشد، و همه باید این حدّ اقل را رعایت کنند. (۱)

### ب. سطح دوم (نخبگان)

سطح دیگری از امر به معروف و نهی از منکر در مورد نخبگان، دانایان و عالمان است. این سطح از مخاطبان این وظیفه را می توان از آیه ی شریفه و روایات مبارکه استفاده نمود؛ آن جا که می فرماید:

۱- سخن اخیر، وجه جمعی است بین دو نظریه که یکی معتقد به وجوب عینی امر به معروف و نهی از منکر است و نظریه ی دیگر که معتقد به وجوب کفایی آن می باشد.

ص: ۴۱

(وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ)؛ (۱)

از میان شما گروهی باشند که دعوت به خیر می نمایند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند.

این آیه ی شریفه حدّ اقل به کمک روایات، به نظر می رسد وظیفه ی امر به معروف و نهی از منکر را در حدّ والا-تر و ویژگی بیشتری برای افراد خاصّ و نخبگان، معین فرموده است که در رأس آنان می توان عالمان علوم اسلامی و فقها و دانشمندان را که دارای آگاهی بیشتر و قدرت نفوذ کلام زیادتری هستند، قرار داد. در روایت از امام صادق ۷ آمده است:

إِنَّمَا هُوَ عَلَى الْقَوِيِّ الْمُطَاعِ الْعَالِمِ

۱- سورهی آل عمران، آیهی ۱۰۴. این آیه ی شریفه بنا بر احتمال می تواند دلیل بر وجوب کفایی امر به معروف و نهی از منکر باشد، ولی حتّی اگر آیه مربوط به وجوب کفایی باشد نه خصوص نخبگان، باز در تقسیم وظیفه مندان امر به معروف و نهی از منکر به سه گروه، خللی وارد نمی شود؛ زیرا با توجه به آن چه از موارد وجوب و شرایط امر به معروف و نهی از منکر خواهد آمد، این تقسیم قهراً پدید می آید.



ص: ۴۲

بِالْمَعْرُوفِ مِنَ الْمُنْكَرِ...؛(۱)

(امر به معروف و نهی از منکر) فقط بر توانایِ موردِ اطاعت، عالم به معروف از منکر، واجب است.

یعنی برخی مراتبِ امر به معروف و نهی از منکر به عهده ی عالمان برجسته ی مورد اطاعت می باشد؛ زیرا اقدام انسان های معمولی، نمی تواند اثر داشته باشد یا همراه ضرر است؛ وگرنه در مواردی که اقدامِ عموم مردم با شرایطی که بعداً خواهد آمد اثر بخش باشد، آنان هم موظف به امر به معروف و نهی از منکر می باشند.(۲)

۱- کافی (ط الإسلامیه)، ج ۵، ص ۵۹.

۲- آیه ی ۶۳ سوره ی مبارکه ی مائده نیز شاهی بر عنایت بر گروه نخبگان در مسأله ی امر به معروف و نهی از منکر است. خداوند متعال می فرماید: (لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّائِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَنْ قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ)؛ چرا علمای ربّانی و دانشمندان دینی (از یهود و نصاری) آنان را از سخنانِ گناه آمیز و خوردنِ مال حرام، نهی نمی کنند؟! چه زشت است عملی که انجام می دادند.» همان طور که ملاحظه می فرمایید، در آیه ی شریفه، خواصّ موردِ توبیخ ویژه قرار گرفتند، و از روایاتی که به این آیه ی شریفه استشهاد شده است می توان دریافت که حکم آن، اختصاص به امت های پیشین ندارد.

ص: ۴۳

**ج. سطح سوم (دولت مردان)**

خداوند متعال می فرماید:

(الَّذِينَ إِن مَّكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ)؛ (۱)

کسانی که اگر قدرت را در زمین در اختیار آن‌ها بگذاریم (و در رأس جامعه قرار گیرند) نماز را بر پا می‌دارند و زکات را می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

که فردِ اعلای این آیه ی شریفه، امام زمان  $\square$  و حکومتِ حضرت است. در روایت از امام باقر  $\gamma$  آمده است:

هَذِهِ لِآلِ مُحَمَّدٍ الْمَهْدِيِّ وَأَصْحَابِهِ يُمَلِّكُهُمُ اللَّهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا ... حَتَّى لَا يُرَى أَثَرٌ مِنَ الظُّلْمِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ (۲)

این آیه برای آل محمد یعنی مهدی و یاران او می‌باشد. خداوند همه ی شرق و غرب زمین

۱- سوره ی حج، آیه ی ۴۱.

۲- بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۱۶۵.

ص: ۴۴

را در تحت قدرت آنان قرار می دهد... تا آن جا که اثری از ظلم دیده نشود و آنان امر به معروف و نهی از منکر می کنند.

خلاصه، وظیفه ی امر به معروف و نهی از منکر در مرحله ی اول، متوجه آحاد امت اسلامی است و همه در برابر آن مسئول هستند، چه زن و چه مرد. وظیفه ی دوم، در مورد عالمان و نخبگان است و وظیفه ی سوم، بر عهده ی قدرت مندان و دولت مردان می باشد.

ص: ۴۵

**واژه‌هایی که نیازمند تبیین اند****اشاره**

شناخت ماهیت و حقیقت امر به معروف و نهی از منکر، اولین گام در راستای انجام صحیح این دو وظیفه ی بزرگ است. از این رو، لازم است به طور دقیق بدانیم امر به معروف و نهی از منکر به چه معنا می باشد و مرزها و مشخصات آن چیست. کما این که در سایر واجبات تا آن ها را نشناسیم، نمی توانیم وظیفه ی خود را در قبال آن ها انجام دهیم؛ مثلاً وقتی خداوند متعال فرمود:

(وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ)؛ (۱)

۱- سوره ی بقره، آیه ی ۴۳؛ و ...

ص: ۴۶

و نماز را به پا دارید، و زکات را پردازید.

تا نماز و زکات را نشناسیم، نمی‌توانیم نماز بخوانیم و زکات بدهیم یا دیگران را به نماز و زکات توصیه نماییم. در امر به معروف و نهی از منکر هم، ابتدا باید بدانیم معروف چیست و چگونه باید به آن امر کنیم و منکر چیست و چگونه باید از آن نهی کنیم.

گرچه امر، نهی، معروف و منکر، واژه‌هایی عرفی‌اند و حدود معنای آن‌ها تا اندازه‌ای روشن است، ولی در شرع برای آن‌ها ضوابطی بیان شده و فقهای بزرگ اسلام، در کتاب (۱) امر به معروف و نهی از منکر در این زمینه توضیحات مفصلی دارند که باید مورد توجه قرار گیرد.

پس در مجموع، چهار واژه‌ی معروف، منکر، امر و نهی که در قرآن کریم و روایات معصومین: به طور مکرر آمده، باید به درستی تبیین شود، خصوصاً در تشخیص معنا و نیز تطبیق مصادیق معروف و موارد منکر باید بیشتر

۱- منظور از کتاب در اینجا، یکی از ابواب فقهی است که مانند ابواب فقهی دیگر، مورد تحقیق و اجتهاد فقهای بزرگوار قرار میگیرد.

ص: ۴۷

عنایت گردد. ما اول مطالبی را پیرامون معروف، سپس نکاتی را درباره‌ی منکر یادآور می‌شویم و آن چه را که مربوط به امر و نهی است، در ضمن بحث شرایط امر به معروف و نهی از منکر، ذکر خواهیم نمود ان شاء الله.

### معروف و اقسام و مراتب آن

معروف به معنای چیز شناخته شده است و هر امری است که انسان به حکم عقل و فطرتش یا به حکم شرع مقدّس، آن را خوب، نیک و شایسته می‌داند. نهایت این است که معروف، دارای اقسام و مراتبی می‌باشد:

الف. قسم و مرتبه‌ای از معروف، آن امور نیکی است که شرط ضروری برای رسیدن انسان به کمال لازم می‌باشد؛ به طوری که بدون آن، فرد و جامعه از رسیدن به کمال لازم باز می‌ماند و محروم می‌گردد.

ب. قسم و مرتبه‌ای دیگر از معروف، آن امور نیکی است که با التزام و پایبندی به آن، کمالات عالی و عالی تری برای انسان و جامعه‌ی انسانی حاصل می‌شود، و لذا شایسته است انسان نسبت به آن‌ها اهتمام داشته باشد، ولی در عین حال

ص: ۴۸

این گونه نیست که با فقدان آن، پیمودن راه سعادت به طور کامل مختل گردد. البته این خود ممکن است دارای مراتبی باشد که فعلاً کاری به آن نداریم.

بنابراین می‌توانیم بگوییم معروف عبارت است از هر عمل شایسته، و دارای اقسام و مراتبی است که از بعضی مراتب آن می‌توان صرف نظر کرد و بعضی دیگر از مراتب آن ضروری و حیاتی بوده و قابل اغماض و چشم پوشی نیست؛ چرا که شرط ضروری برای کسب کمال لازم است؛ به طوری که کم تر از آن، در خور شأن انسان نمی‌باشد. و روشن است در صورتی که معروفی ضروری و غیر قابل اغماض باشد، التزام به آن لازم و واجب خواهد بود و چنین معروفی اگر احیاناً ترک شود، بر همگان فرض و واجب است که تارک آن را به معروف امر کنند؛ یعنی همه وظیفه دارند از او بخواهند که آن واجب را انجام دهد. و در صورتی که معروف، قابل اغماض و غیر ضروری باشد، اصطلاحاً از مستحبات است و چنین معروفی اگر ترک شود، بر همگان مستحب است که

ص: ۴۹

تارک آن را به معروف امر نمایند.

خلاصه، اگر معروفی که واجب بوده، ترک شد، امر به معروف هم واجب می شود و اگر معروفی که مستحب بوده، ترک شد، امر به آن هم مستحب خواهد بود. پس همان طور که بعضی از معروف ها واجب هستند و برخی دیگر مستحب اند، بعضی از امر به معروف ها نیز واجب هستند و برخی دیگر مستحب، و این گونه نیست که هر امر به معروفی واجب باشد.

### منکر و اقسام و مراتب آن

بر همان وزن، که معروف و اقسام آن تبیین شد، منکر و مراتب آن را می توان تبیین نمود. به عبارت دیگر، هرچه که به حکم فطرت و عقل یا به حکم شرع مقدس، زشت و ناشایست باشد، منکر است؛ یعنی ارتکاب آن، در شأن انسان و جامعه ی انسانی نیست.

منکرات نیز هم چون امور معروف، دارای اقسام و مراتبی هستند. بعضی از مراتب منکر، ضربه ی جبران ناپذیر به انسان و جامعه ی انسانی می زند و او را از رسیدن به کمال لازم، محروم



ص: ۵۰

می‌کند. چنین منکری، حرام است و نهی از ارتکاب چنین منکری بر همگان واجب می‌باشد. و برخی دیگر از مراتب منکر که این گونه و در این حد نیستند، به اصطلاح مکروه نامیده می‌شوند و نهی از ارتکاب آن‌ها نیز مستحب می‌باشد.

ناگفته نماند که عمدتاً در تعیین معروف و منکر، دین و شرع ملاک است؛ زیرا گرچه فطرت و عقل انسان به تنهایی بسیاری از زشتی‌ها را می‌تواند درک کند، همان‌طور که بسیاری از خوبی‌ها را می‌تواند بفهمد، ولی بیان جامع و دقیق و تعیین حدود مشخص شده‌ی خوبی‌ها و زشتی‌ها جز از راه دین و بیان الهی امکان ندارد.

ص: ۵۱

**شرایط چهارگانه ی وجوب****اشاره**

امر به معروف و نهی از منکر

از مسائل بسیار مهمی که در کلماتِ فقهای عظیم الشان با استفاده ی از آیات مبارکه ی قرآن و سنت معصومین: عنایت زیادی بر آن شده، تبیین شرایط امر به معروف و نهی از منکر می باشد. معمولاً فقها در کتاب های فقهی استدلالی و نیز در رساله های عملیه ی فتوایی، چهار شرط برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر ذکر فرموده اند. در واقع این چهار شرط، بیان گر این مسأله اند که در چه شرایطی امر به معروف و نهی از منکر واجب است و در چه شرایطی واجب نیست. آن چهار شرط به طور اجمال عبارتند از:

ص: ۵۲

الف. آمر به معروف و ناهی از منکر باید عالم و آگاه به معروف و منکر باشد؛

ب. آمر و ناهی باید تجویز تأثیر کند؛ یعنی امکان تأثیر گذاری وجود داشته باشد؛

ج. شخص تارک معروف و مرتکب منکر، خود به خود منجر و از عملِ خلافش منصرف نشده باشد یا به تعبیر بعضی، بر عمل خلافش اصرار داشته باشد؛ یعنی مصمم باشد؛

د. در شرایط معمولی، به خاطر این دو فریضه به آمر و ناهی یا بستگان او یا مسلمان دیگر، ضرری نرسد. و به تعبیری امر به معروف و نهی از منکر، مفسده نداشته باشد.

البته هر یک از این شرایط، دارای توضیحات و خصوصیات است که در پی خواهد آمد ان شاءالله.

### الف. دو نوع علم و آگاهی، شرط امر و نهی است

#### اشاره

کسی که می خواهد امر به معروف و نهی از منکر کند، علاوه بر آن که باید عالم و آگاه به معروف و منکر باشد باید اشخاص تارک معروف و مرتکب منکر را هم دقیقاً بشناسد تا

ص: ۵۳

با دانستن کلی معروف و منکر و دانستن این که فلان شخص، معروف را ترک کرده یا مرتکب منکر شده، او را امر به معروف و نهی از منکر نماید. بنابراین، امر به معروف و نهی از منکر باید دو نوع علم داشته باشد:

۱. باید معروف و منکر را بشناسد؛ زیرا کسی که نمی‌داند فلان عمل، معروف است یا منکر و آگاهی ندارد چه چیزی حرام و چه چیزی واجب است، چگونه امر به معروف و نهی از منکر کند؟ به چه چیزی امر کند و از چه چیزی نهی نماید؟! در روایت از امام حسین ۷ آمده است:

ذَلِكَ أَنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ دُعَاءٌ إِلَى الْإِسْلَامِ ...؛ (۱)

این از آن روست که امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به اسلام است.

کسی که اسلام را نمی‌شناسد چگونه به آن دعوت کند؟! فرد ابتدا باید احکام الهی را بیاموزد و سپس مبادرت به امر به معروف و نهی

ص: ۵۴

از منکر کند. البته آموختن احکام در برخی موارد، واجب و در برخی موارد، مستحب است. آن مقدار از احکام الزامی که مورد ابتلای فرد می باشد، بر هر کسی آموختن آن واجب است:

سُئِلَ أَبُو الْحَسَنِ ۷ هَلْ يَسْعُ النَّاسَ تَرْكُ الْمَسْأَلَةِ عَمَّا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ؟ قَالَ ۷: لَا؛ (۱)

از امام کاظم ۷ سؤال شد: آیا برای مردم جایز است که به دنبال یادگیری مسأله ای که مورد نیاز ایشان است، نروند؟ حضرت ۷ فرمودند: خیر.

و نیز وارد شده:

طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ؛ (۲)

جستجوی دانش، بر هر مسلمانی واجب است.

که مصداق قطعی آن، دانش دین به مقدار مورد نیاز است، و نیز آموختن کل احکام شرع که مورد نیاز جامعه است به طور واجب کفایی بر مسلمانان واجب است و باید عده ای سعی در فراگیری آن نموده و به دیگران ابلاغ کنند.

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۱.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۱.

ص: ۵۵

خداوند متعال می فرماید:

(فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَ لِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ)؛ (۱)

پس چرا از هر جمعیتی از آنان گروهی کوچ نمی کنند تا تحصیلِ دانش عمیق نمایند و قوم خود را آن هنگام که به سوی آن ها بازگشتند، هشدار دهند، باشد که آن ها حذر کنند.

بنابراین امر به معروف و ناهی از منکر اگر حکمِ الهی را می داند، با وجود سایر شرایط امر به معروف و نهی از منکر باید به وظیفه ی خود عمل نماید و اگر نمی داند، ولی در عین حال به طور اجمالی می داند که احکامِ الهی، مورد نافرمانی قرار می گیرد، به طور واجب کفایی بر او لازم است که ابتدا احکام را به روش صحیح بیاموزد و آن گاه اقدام به امر به معروف و نهی از منکر کند. این مربوط به نوع اول از علم لازم در امر به معروف و نهی از منکر.

۲. نوع دوم از علمی که در وجوب امر به

۱- سوره ی توبه، آیه ی ۱۲۲.

ص: ۵۶

معروف و نهی از منکر لازم است آن که امر به معروف و ناهی از منکر باید شخصی که معروف را ترک کرده و شخصی که منکر را انجام داده، بشناسد و بداند کدام فرد یا گروه یا مسئول، ترک معروف کرده و یا مرتکب منکر شده است. در واقع، کسی که تارک معروف و عامل منکر را نمی‌شناسد، به صرف حدس و گمان این که مثلاً فلان شخص شاید حرامی را مرتکب شده و یا عملی را که انجام داده، شاید حرام باشد، امر به معروف و نهی از منکر واجب نمی‌شود، بلکه چه بسا در برخی از موارد، حرام هم باشد.

با توجه به لزوم این دو نوع علم در وجوب امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان مثال کسی که می‌خواهد فردی را از غیبت، نهی کند علاوه بر این که باید بداند آن شخص عامل غیبت است، باید معنای غیبت و حدود غیبت حرام و موارد استثنای آن را به خوبی بداند؛ زیرا چه بسا مورد، از استثنائات حرمت غیبت باشد (۱) و

۱- در بعضی موارد، غیبت حرام نیست که موارد آن در علم فقه معین شده است. از جمله موارد یاد شده آن است که کسی مظلوم واقع شود و به ویژه برای احقاق حق خود، راهی جز سخن گفتن از ظلمی که بر او رفته نداشته باشد. این کار گرچه غیبت شخص ظالم حساب می‌شود، ولی از موارد حرمت غیبت، استثنا شده و حرام نمی‌باشد.

ص: ۵۷

غیبت کننده از کسی سخن می گوید که غیبتش برای او جایز است؛ مثلاً غیبت کننده، فرد مظلومی است که ظلمی در حق او شده، به ویژه اگر راهی جز این برای دفاع از حق نداشته باشد. این جا کسی حق ندارد او را از عملش نهی کند، بلکه چه بسا خود این نهی بی جا، یک منکر باشد؛ زیرا غیبت کننده با مجوز شرعی، غیبت می کند و چنین غیبتی جایز است بلکه می تواند واجب هم باشد.

پس تا انسان یقین به منکر و کار حرام پیدا نکرده، بی جهت نباید شخصی را نهی کند و حق ندارد فعل حرام را به او نسبت دهد و به طور قاطع بگوید: «کار حرام انجام نده»؛ چرا که ممکن است عمل فرد، در واقع حرام نباشد؛ بلی اگر نهی از منکر به گونه ای باشد که موجب هیچ گونه بی احترامی نسبت به مؤمنی نمی شود، مانعی ندارد، و در حقیقت می تواند موعظه ای



ص: ۵۸

باشد که همیشه به روش مناسب خود، خوب است.

### تفاوت دو نوع علم، و حرمت تجسس

بر خلاف نوع اول از دو نوع علم شرط امر به معروف و نهی از منکر که تحصیل آن واجب یا مستحب بود، در نوع دوم از علمی که شرط وجوب امر به معروف و نهی از منکر است، تلاش در به دست آوردن علم در شرایط عادی واجب نیست، بلکه در مواردی که تجسس در احوال مؤمن باشد، حرام است. خداوند متعال می فرماید:

(وَلَا تَجَسَّسُوا)؛ (۱)

تجسس و کاوش نکنید.

در روایات بسیاری که از طریق شیعه و سنی از پیامبر اکرم ۹ و ائمه ی معصومین: نقل شده، دنبال کردن لغزش ها و گناهان مسلمانان، مورد نهی آکید واقع شده است؛ از جمله در حدیث معتبر، امام صادق ۷ از پیامبر ۹ نقل می کنند:

۱- سوره ی حجرات، آیه ی ۱۲.

ص: ۵۹

يَا مَعْشَرَ مَنْ أَسْلَمَ بِلِسَانِهِ وَلَمْ يُخْلِصِ الْإِيمَانَ إِلَى قَلْبِهِ!

ای گروه مسلمانانِ به زبان، بی خلوصِ در ایمان!

لَا تَذُمُوا الْمُسْلِمِينَ؛

مسلمانان را نکوهش نکنید.

و لَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ؛

و عیوبِ نهانشان را واکاوی ننمایید.

فَإِنَّهُ مَنْ تَتَّبَعَ عَوْرَاتِهِمْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَ مَنْ تَتَّبَعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ وَ لَوْ فِي بَيْتِهِ؛<sup>(۱)</sup>

زیرا هرکس عیوب مسلمانان را واکاوی کند، خدا عیوبِ نهانش را دنبال کند و هرکس خدا عیوبِ نهانش را دنبال کند، او را رسوا می کند و لو در خانه اش.

و در روایت معتبر دیگر آمده:

لَا تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِ الْمُسْلِمِينَ؛<sup>(۲)</sup>

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۷۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۷۶.

ص: ۶۰

لغزش های مسلمانان را دنبال نکنید.

**نمونه ای از تجسس بی مورد**

در ذیل آیه ی شریفه ی (وَلَا تَجَسَّسُوا) محدثین اهل تسنن، داستانی را نقل می کنند که شایسته ی توجه است. از جمله سیوطی در کتاب الدر المنثور می نویسد: عمر (خلیفه ی دوم) در شب گشت می زد که از خانه ای صدای مردی را که غنا می خواند، شنید. پس از بالای دیوار بر او وارد شد و زن و شرابی را در نزد او یافت؛ در این هنگام خطاب به آن مرد گفت: ای دشمن خدا! آیا گمان بُردی خداوند بر تو می پوشاند، در حالی که تو بر معصیت خداوند می باشی؟

آن مرد در پاسخ گفت:

تو ای امیرمؤمنان! بر من عجله نکن، اگر من یک نافرمانی خداوند کرده ام، تو در سه چیز، عصیان خداوند کرده ای:

خداوند فرموده:

(لَا تَجَسَّسُوا)؛

تجسس و کاوش نکنید.

و تو تجسس کردی؛

ص: ۶۱

خداوند فرموده:

(وَ اتُوا الثُّبُوتَ مِنْ اَبْوَابِهَا) (۱)

و به خانه‌ها از درهای آن‌ها درآید.

تو از دیوار بالا آمدی؛

هم چنین بدون اذن، وارد شدی در حالی که خداوند فرموده:

(لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلِّمُوا عَلَى اَهْلِهَا)؛ (۲)

به خانه‌هایی غیر از خانه‌های خودتان وارد نشوید تا آن‌که اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوئید.

و در کتب دیگری، همین قضیه یا قضیه‌ای شبیه این با تفصیل بیشتر، نقل شده به گونه‌ای که در واقع آن زن، همسر خود فرد بوده و جز آب، چیز دیگری در برابر مرد نبوده است. و دو قضیه‌ی دیگر نیز از همین دست، قرطبی از معاریف اهل تسنن در تفسیر خود و غیر او در رابطه با تجسس غیر مجاز عمر از عبدالرحمان

۱- سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۸۹.

۲- سوره‌ی نور، آیه‌ی ۲۷.

ص: ۶۲

بن عوف و ابوقلابه نقل می کنند که در نتیجه خلیفه از کرده ی خود منفعل شده و جوابی برای تخلف از حکم قرآن، نداشته است.

در دیدگاه شارع مقدس، قبح گناه آشکار، بیش از زشتی گناه پنهان است.

در روایت از رسول الله ۹ آمده است:

إِنَّ الْمَعْصِيَةَ إِذَا عَمِلَ بِهَا الْعَبْدُ سِرًّا لَمْ تَضُرَّ إِلَّا عَامِلَهَا فَإِذَا عَمِلَ بِهَا عَلَانِيَةً وَ لَمْ يُغَيِّرْ عَلَيْهِ أَضْرَّتْ بِالْعَامَّةِ؛ (۱)

همانا اگر بنده ای در پنهان (از اوامر و نواهی حق) نافرمانی کند، پی آمد و زیان آن، تنها گریبان گیر خود او خواهد شد. ولی اگر آشکارا کار ناشایسته ای را انجام دهد و در برابر او واکنشی نشان داده نشود، آثار سوء ناشی از آن، دامن گیر عموم مردم (و زیان آن فراگیر) خواهد شد.

و در ادامه ی روایت، امام صادق ۷ در توضیحی می فرماید:

چون فرد با گناه آشکار، دین خدا را ذلیل می کند و اهل دشمنی خداوند از او پیروی

---

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۳۵.

ص: ۶۳

می کنند. (۱)

البته در موارد مهمی که مثلاً حفظ نظام اسلامی و امنیت مردم اقتضا کند، با رعایت تمام جهات می توان در موارد لازم، در احوال پنهان افراد نیز تحقیق کرد و این استثنا بوده و تابع ضوابط خود می باشد.

### عدم وجوب امر به معروف و نهی از منکر نسبت به مکلف معذور و ارائه ی چند نمونه

هم چنین از نکات مهمی که در مسأله ی امر به معروف و نهی از منکر باید مورد توجه قرار گیرد این است که در شرایطی ممکن است فردی عملی را انجام دهد که به نظر ما خلاف واقع باشد و حتی اگر خود عامل توجه پیدا کند، برای او نیز روشن خواهد شد که عملش خلاف واقع می باشد؛ ولی با وجود این، امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست و آن در مواردی است که جهل و نادانی می تواند برای تارک معروف و

---

۱- «قَالَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ: وَ ذَلِكَ أَنَّهُ يَذُلُّ بِعَمَلِهِ دِينَ اللَّهِ وَ يَقْتَدِي بِهِ أَهْلُ عَدَاوَةِ اللَّهِ.»

ص: ۶۴

عاملِ منکر، عذر باشد. برای روشن شدنِ مطلب، چند مثال ذکر می‌کنم:

۱. شخصی بعد از آن که می‌داند باید لباس و بدنِ نمازگزار پاک باشد بدونِ آن که متوجه باشد لباس یا بدنش نجس شده، مشغولِ نماز گردد. اگر دیگری متوجه این نجاست شود، لازم نیست او را آگاه کند. در روایتِ صحیح آمده است:

الرَّجُلُ يَرَى فِي ثَوْبِ أَخِيهِ دَمًا وَ هُوَ يُصَلِّي قَالَ ۷: لَا يُؤْذِنُهُ حَتَّى يَنْصَرِفَ؛ (۱)

کسی در لباسِ برادرش خون می‌بیند در حالی که آن فرد مشغولِ نماز است. حضرت ۷ فرمود: به او اعلان نکند تا از نمازش فارغ شود.

نکته ی آن هم در این است که حتی بر خودِ نمازگزار هم، تحقیق واجب نیست و همین که از سابقِ لباسِ او پاک بوده، کافی است حتی اگر شک در نجس شدنِ لباس کند. (۲)

۲. شخصی مشغولِ خوردنِ غذایی است که

---

۱- . کافی، ج ۳، ص ۴۰۶.

۲- . و اساساً طهارت از نجاست، شرطِ ذکرِ نماز است.

ص: ۶۵

در واقع نجس است و دیگری نجاستِ آن را می‌داند، بر این شخص لازم نیست خورنده‌ی غذا را متوجه نجاستِ غذایش کند، هرچند خودش نمی‌تواند از آن غذا بخورد یا به دیگری بدهد؛ چون واقعاً نجس است و خوردنِ آن حرام، ولی چون خورنده‌ی غذا از نجاستِ آن خبر ندارد، معذور است و هیچ‌گونه استحقاقِ عذابی ندارد و حتی اگر شکِّ در نجاست داشته باشد، می‌تواند از آن استفاده کند؛ زیرا طبقِ روایات، مادامی که یقین به نجاستِ چیزی پیدا نشود، حکمِ پاکی دارد<sup>(۱)</sup> و بلکه همان‌طور که قبلاً اشاره کردیم، تحقیق و بررسی هم در مثلِ چنین مواردی لازم نیست. در نتیجه، چون شخصی بر خلافِ وظیفه‌ی خود، کاری را انجام نداده است، نمی‌توانیم بگوییم او فاعلِ منکر است و عملِ زشتی را انجام می‌دهد پس باید او را نهی از منکر کنیم<sup>(۲)</sup>.

- ۱- مگر آنکه از سابق یقین به نجاستِ آن داشته باشیم، که در این صورت بر اساسِ حالتِ سابقه، حکم به نجاستِ آن چیز میشود.
- ۲- اگر ادعا شود چون مکلف در واقع چیز حرامی را می‌خورد پس مرتکبِ منکرِ واقعی است بنابراین باید او را از کردارش نهی کرد؛ در پاسخ این ادعا می‌گوییم: از آن جا که چنین شخصی عصیان بر مولا نکرده و استحقاقِ عقوبت ندارد زیرا شارع به او چنین اجازه‌ای را داده است پس ادله‌ی امر به معروف و نهی از منکر از مثلِ چنین مواردی منصرف است.



ص: ۶۶

بلی اگر کسی مشغول خوردن غذای نجس است و نمی داند که خوردن غذای نجس حرام است، باید به او حکم شرعی را یاد داد؛ چون در چنین مواردی ندانستن، عذر نیست، و تعلّم احکام مورد ابتلا بر همه واجب است. (۱)

۳. روزه داری فراموش کرده که روزه است و مشغول خوردن غذا می شود، لازم نیست به او یادآوری شود که روزه هستی تا امساک کند؛ زیرا غذا خوردن روزه دار در حال فراموشی نه تنها حرام نیست، بلکه موجب بطلان روزه نیز نمی شود؛ چه روزه، واجب باشد چه مستحب. در روایت صحیح آمده است:

مَنْ صَامَ فَنَسِيَ فَأَكَلَ أَوْ شَرِبَ فَلَا يُفْطِرُ مِنْ أَجْلِ أَنَّهُ نَسِيَ فَإِنَّمَا هُوَ رِزْقُ رَزَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى فَلْيَتِمَّ صِيَامَهُ؛ (۲)

۱- . بلکه میتوان گفت ابلاغ احکام نیز واجب است.

۲- . وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۲.

ص: ۶۷

کسی که روزه دار است و فراموش کرد و چیزی خورد یا آشامید، به خاطر آن که فراموش کرده است، روزه ی خود را افطار نکند، این رزقی بود که خداوند روزی او کرد، پس روزه اش را به پایان برد.

بلی در این جا هم اگر کسی نمی داند که مثلاً فلان چیز موجب بطلان روزه می شود، باید به او تعلیم داد و حتی تذکر داد که تعلم احکام مورد ابتلا واجب است.

### لزوم نهی از منکر در برخی شبهات موضوعیه

البته در امور مهمی که می دانیم شارع مقدس، راضی به انجام آن حتی از روی جهل نیست، باید در اشتباهاتی که از غیر جهت ندانستن حکم است نیز افراد را از اشتباه در آورد تا مبادا خلاف غرض شارع، محقق شود؛ مثلاً ممکن است کسی نداند پشت دیوار، انسانی نشسته است و او درصدد است سنگ بزرگی را از بام به زیر اندازد که موجب کشته شدن آن شخص می شود، باید به فرد روی بام تذکر داد که در این جا کسی هست که در معرض آسیب جانی می باشد و آن فرد هم باید توجه کند. گفته شده است مشهور

ص: ۶۸

فقها همه ی مسائل مربوط به جان ها، اموال و اعراض را از این نوع می دانند.

### ب. احتمال تأثیر

شرط دوم برای وجوب امر به معروف و نهی از منکر، تجویز تأثیر است (۱)؛ یعنی باید امکان

۱- قاعده ی اولیه، شرطیت علم به تأثیر است مخصوصاً با توجه به آن که قدرت شرط خطاب است و این شرط لیبی به منزله ی قرینه ی متصله می باشد، و در نتیجه اگر شک در تأثیر، وجود داشته باشد در حقیقت بر اساس این مبنا بازگشت به شک در توجه خطاب است که مرجع در این هنگام براءت می باشد. ولی از آن جا که اگر در چنین مواردی اجرای براءت شود، خطاب منحصر در موارد محدودی می گردد که خلاف مقصود شارع است؛ زیرا اطمینان وجود دارد که این دو فریضه ی با اهمیت، برای چند مورد محدود، تشریح نشده است، پس لامحاله معلوم می شود مثل این موارد، از تحت ادله ی براءت خارج است و باید احتیاط کرد، هر چند بازگشت شک در قدرت، به شک در اصل تکلیف باشد؛ بلی، اگر قدرت در نفس خطاب شارع، اخذ شده باشد، مانعی از رجوع به براءت نیست؛ چون در چنین حالتی علم به نقض غرض شارع نداریم بلکه قریب می دانیم که شارع، عنایت به تسهیل داشته است. تذکر مطلب دیگری این جا مناسب است و آن این که احتمال این که امر به معروف و نهی از منکر واجب باشد هر چند هیچ تأثیری نداشته باشد به جهت مثلاً- ترویج گفتمان امر به معروف و نهی از منکر این خلاف ظاهر خطابات امر به معروف و نهی از منکر است، و اگر تحقق چنین غرضی مطلوب باشد، تکلیف دیگری است که مقتضیات خود را داراست.

ص: ۶۹

تأثیر گذاری باشد و این احتمال وجود داشته باشد که با این امر به معروف و نهی از منکری که صورت می گیرد، آن شخصی که مرتکب منکر شده یا معروف را ترک کرده، به خود بیاید و یا مجبور به تغییر وضعیت گردد؛ مثلاً از عمل منکرش دست بکشد. اما اگر شخص ببیند امر و نهی او تأثیری ندارد، امر به معروف و نهی از منکر بر او واجب نیست، مثل این که گناه کار، شخصِ مُعاندی است؛ یعنی عمداً و از روی لج بازی، آن کار را انجام می دهد و به هیچ وجه از کار زشتش دست نمی کشد. در کتاب شریف کافی نقل می کند: امام صادق ۷ فردی را که کارِ خلافی انجام داده بود، موردِ نهی قرار دادند، اما او نپذیرفت:

فَطَاطَا رَأْسَهُ فَمَضَى؛ (۱)

حضرت ۷ سر خود را به زیر انداخته و گذشتند.

البته باید توجه داشت، گاهی این گونه است که اگر فقط یک نفر امر به معروف و نهی از

۱- کافی (ط الإسلامیه)، ج ۵، ص ۶۱.

ص: ۷۰

منکر کند بی تأثیر است و شخصی که مرتکب منکر و تارک معروف است، ترتیب اثر نمی دهد و اعتنا نمی کند، ولی اگر افراد متعددی او را امر به معروف و نهی از منکر کنند، مؤثر واقع می شود. و یا گاهی بعضی از اشخاص از یک بار امر به معروف و نهی از منکر، متنبه نمی شوند ولی اگر افراد مکرراً در زمان ها و مکان های مختلف، به نوبت و به تدریج او را امر و نهی کنند، تأثیر می پذیرد. در چنین حالاتی به تناسب مورد، هر کس باید به وظیفه اش عمل کند؛ مثلاً به طور مکرر، امر و نهی کند یا افراد متعدّد به همراه هم یا به طور پراکنده، امر و نهی کنند.

در روایت از امام صادق ۷ آمده است: سزاوار است برای من که بی گناه را به واسطه ی گناه کار، مؤاخذه کنم و چرا چنین چیز برای من شایسته نباشد:

أَنْتُمْ يَبْلُغُكُمْ عَنِ الرَّجُلِ مِنْكُمْ الْقَبِيحُ فَلَا تُنْكِرُونَ عَلَيْهِ وَلَا تَهْجُرُونَهُ وَلَا تُؤْذِنُهُ حَتَّى يَتْرُكَ؛ (۱)

۱- وسائلشيعه، ج ۱۶، ص ۱۴۵.

ص: ۷۱

درباره ی اعمالِ بدِ کسی از شما، به شما خبر می رسد، بر او انکار نمی کنید و از او دوری نمی نمایید و او را موردِ اذیت قرار نمی دهید تا عملِ زشتِ خود را ترک کند.

### ج. اصرار بر گناه

شرطِ سومی که فقهای بزرگوار برای امر به معروف و نهی از منکر ذکر فرموده اند این است که بدانیم شخصی که معروف را ترک کرده یا منکری را انجام داده از کردار زشتش پشیمان نشده بلکه مصمم بر کردار خود است و بر آن پافشاری دارد و اگر شرایط فراهم باشد، آن کار را ادامه می دهد.

بنابراین اگر او خود به خود از کارش پشیمان باشد دیگر امر به معروف و نهی از منکر جا ندارد؛ زیرا غرض و نتیجه ای که با امر به معروف و نهی از منکر به دنبالش بودیم یعنی بازداشتن از ارتکاب حرام و جلوگیری از ترک واجبات حاصل شده است. در روایت آمده است:

فَإِنْ اتَّعَظُوا وَ إِلَى الْحَقِّ رَجَعُوا فَلَا سَبِيلَ عَلَيْهِمْ؛ (۱)

۱- کافی (ط الإسلامیه)، ج ۵، ص ۵۶.

ص: ۷۲

پس اگر (عاصی) متنبه شد و به راه درست در آمد، دیگر راهی برای امر و نهی بر او نیست.

### د. ایمن بودن از ضرر و فساد

شرط چهارمی که برای امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده آن است که در شرایط عادی در نتیجه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، ضرر و زیان بدنی یا مالی یا آبرویی به شخصِ آمر به معروف و ناهی از منکر یا وابستگانش یا سایر مسلمانان وارد نشود. پس اگر در شرایط عادی، خوف عقلایی وجود داشته باشد که در اثر امر به معروف و نهی از منکر ضرر و خسارتی وارد می‌گردد، واجب نخواهد بود (۱). علاوه بر ادله‌ی مثل لاضرر که به اطلاق خود، وجوب امر به معروف و نهی از منکر را در موارد ضرر نفی می‌کند، ادله‌ی متعدّد دیگری در خصوص مورد وجود دارد. از امام صادق ۷ روایت شده است:

و الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ

۱- از اینجا معلوم میشود، اگر امر به معروف و نهی از منکر نیاز به هزینه‌ی مالی داشت، در شرایط عادی بذل مال واجب نیست هر چند دارای رجحان است.

ص: ۷۳

وَاجِبَانَ عَلَيَّ مَنْ أَمَكْنَهُ ذَلِكَ وَ لَمْ يَخْفُ عَلَيَّ نَفْسِهِ وَ لَا عَلَيَّ أَصْحَابَهُ؛<sup>(۱)</sup>

امر به معروف و نهی از منکر بر هر کسی که امکان انجام آن را داشته و بر جان خود و یارانش نترسد، واجب است.

و نیز در روایت آمده است:

مَنْ تَعَرَّضَ لِسُلْطَانٍ جَائِرٍ فَأَصَابَتْهُ بِلَيْتِهِ لَمْ يُؤْجَرْ عَلَيْهَا؛<sup>(۲)</sup>

کسی که متعرض فرمانروای ستمگری شود و بلایی به او برسد، پاداشی بر آن نخواهد داشت.

در نتیجه اگر صدمه ای که از ستمگر به آمر به معروف و ناهی از منکر می رسد در مقیاسی باشد که باید از آن پرهیز کرد، لامحاله چنین امر و نهی نه تنها واجب نیست، بلکه حرام می باشد.

هم چنین از امام صادق ۷ آمده است:

إِنَّمَا يُؤْمَرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ يُنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ مُؤْمِنٌ فَيَتَّعِظُ أَوْ جَاهِلٌ فَيَتَعَلَّمُ وَ أَمَّا

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۲۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۲۸.



ص: ۷۴

صَاحِبُ سَوِطٍ أَوْ سَيْفٍ فَلَا؛ (۱)

کسی مورد امر و نهی قرار می‌گیرد که با ایمان باشد پس پند گیرد، یا جاهل باشد پس یاد گیرد، اما کسی که صاحب تازیانه و شمشیر است، نه.

یعنی ظالمی که پند نمی‌گیرد و در صدد فراگرفتن احکام الهی نیست و واکنش او در برابر امر به معروف و نهی از منکر، تجاوز به آمر و ناهی است، امر و نهی او واجب نیست.

بله، در بعضی از امور مهمه و در شرایط ویژه، مثلاً- اگر اساس اسلام در خطر باشد، نه تنها با وجود احتمال ضرر بلکه حتی در صورت علم به ضرر، و لو ضرر بدنی و جانی، امر به معروف و نهی از منکر واجب است و به قول امام راحل «تولو بلغ ما بلغ»؛ یعنی و لو به حدی برسد که لازم به نثار جان و مال و آبرو باشد، باید به وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر، اقدام کند و نمی‌تواند به بهانه‌ی ضرر، سکوت نماید. در نامه‌ی امام حسین ۷ به

۱- کافی، ج ۵، ص ۶۰.

ص: ۷۵

سلیمان بن سرد و غیر او این روایت رسول الله ۹ آمده است:

مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكثًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ ۹ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعِدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يُغَيِّرْ بَقَوْلٍ وَلَا فِعْلٍ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ مَدْخَلَهُ؛ (۱)

هر کس زمام دار بیداد پیشه ای را نظاره کند که حرام خدا را حلال و روا می سازد، و عهد و پیمان او را می شکند و با سبک و روش پیامبر خدا ۹ مخالفت می ورزد؛ و با این وصف، در برابر او نه با گفتار و نه عمل به مخالفت برنخیزد شایسته است بر خداوند که او را از همان راهی که آن بیداد پیشه را به دوزخ در می آورد، به دوزخ در آورد.

و سپس حضرت ۷ با ذکر فجایع و مفاسد بنی امیه و یزید علیهم اللعنه تصمیم خود را بر قیام علیه آنان، مستند به این روایت می فرمایند؛ و در حقیقت، این مرتبه از امر به معروف و نهی از

۱- . بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱.

ص: ۷۶

منکر، مصداقِ دفاع و جهاد می شود و طبیعی است که دفاع و جهاد، همراهِ بذلِ مال و جان است و شرایط و مقتضیات و احکام خود را دارد.

یک نکته ی دیگر را در این جا باید اضافه کنم که باید امر به معروف و ناهی از منکر توجه کند که در اثر امر به معروف و نهی منکر او مفسده ای بزرگ تر از مفسده ی منکر مورد انکار، پدید نیاید؛ زیرا چه بسا افراد نادان و یا خبیثی هستند که به جای تشکر از امر و ناهی و پذیرش نصیحت، لجاجت کرده، به گناه بزرگ تر یا بیشتری آلوده می شوند. در چنین مواردی اگر انسان ابزار لازم را برای کنترل چنین افرادی نداشته باشد، باید تا پیدا شدن راه مطمئن، امر به معروف و نهی از منکر را به تأخیر اندازد. در روایت ابان بن تغلب از امام صادق ۷ آمده است:

وَلْيَكُنْ أَحَدُكُمْ بِمَنْزِلَةِ الطَّيِّبِ الْمُدَاوِي إِنْ رَأَى مَوْضِعاً لِدَوَائِهِ وَإِلَّا أَمْسَكَ؛ (۱)

۱- . کافی، ج ۸، ص ۳۴۵.

ص: ۷۷

هر یک از شما به منزله ی پزشکِ معالجه کننده ای باشید که اگر مورد برای دارو یافت، به کار گیرد، و گرنه دست نگه دارد.

### لزوم هشیاری در برابر فضا سازی ها

البته نباید فریب بعضی هیاهوها و جنجال ها را خورد؛ چرا که از این راه می خواهند مؤمنین را از وظیفه ی خود باز دارند و معمولاً محذوری را که ذکر کردیم، اتفاق نمی آفتد هر چند این گونه اظهار شود، و باید مؤمنین در اقدام به امر به معروف و نهی از منکر، استوار باشند و اهداف پلید و شیطنت نهفته ی پشتِ شگردهای منحرفان و منافقان و کافران را ببینند و سستی به خود راه ندهند که:

(إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ)؛ (۱)

خداوند با کسانی است که تقوا پیشه کرده اند، و کسانی که نیکو کارند.

و در برخی موارد حتی اگر به واسطه ی انکار، تارکِ معروف و عاملِ منکر با انتخابِ بد خود

۱- . سوره ی نحل، آیه ی ۱۲۸.

ص: ۷۸

گرفتار مفسده ای بزرگ تر از مفسده ی فعلی می شود، اما جامعه به برکت امر به معروف و نهی از منکر محفوظ می ماند، و جوِبِ امر به معروف و نهی از منکر، به قوّت خود باقی است.

ص: ۷۹

## مراتبِ امر به معروف و نهی از منکر

### اشاره

مسأله‌ی دیگری که بسیار مهم است و لازم است مسلمین حتماً به آن توجه کنند، مراتب امر به معروف و نهی از منکر است که فقهای عظیم الشان و مراجع معظم تقلید، از آیات قرآن کریم و سنت معصومین: استنباط فرموده و معمولاً در کتب فقهی و رساله‌های عملیه، ذکر نموده‌اند. غرض از امر به معروف و نهی از منکر، جلوگیری از ترک واجبات و وقوع محرمات است، و این غرض را به سه نحو کلی می‌توان محقق کرد که هر یک، مرتبه‌ای از مراتب امر به معروف و نهی از منکر به شمار می‌رود و هر کدام از این مراتب کلی سه گانه، خود می‌تواند مشتمل بر مراحل باشد. به هر حال، مراتب و

ص: ۸۰

مراحل امر به معروف و نهی از منکر به ترتیب از مرحله ی ساده و ابتدایی تا مراتب شدید، ادامه پیدا می کند و در هر مرحله ای که غرض و نتیجه حاصل گردد، مکانی برای مرحله ی بعدی باقی نخواهد ماند.

### اساس روش اسلام در دعوت به راه حق و لزوم رعایت مدارا

اساس روش اسلام در دعوت به راه خدا در این آیه ی کریمه متجلی است:

(أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ)؛ (۱)

به کمک دانش و حکمت و اندرز نیکو، به سوی راه خدا دعوت کن.

حتی وقتی حضرت موسی و هارون علی تینا و آله و علیهما السلام مأمور هدایت فردی هم چون فرعون می شوند باید ابتدا به نرمی با او سخن گویند. خداوند متعال می فرماید:

(فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ

۱- سوره ی نحل، آیه ی ۱۲۵.

یَخْشَى؛(۱)

پس با او سخنی نرم بگوئید، باشد که بپذیرد یا بترسد (و به پذیرش نزدیک گردد).

و داستان برخورد اخلاقی امام حسن و امام حسین ۸ با پیرمردی که وضوی درست را نمی دانست، معروف است. به حسب آن روایت، آن دو بزرگوار بین خود، صورت اختلافی را ابراز کردند که کدام یک از آن دو، وضوی صحیح را می داند و سپس به پیرمرد گفتند: ما وضو می گیریم تو در میان ما حکم باش که آیا وضوی کدام یک از ما صحیح است. پیرمرد متوجه شد وضوی او غلط است و عرض کرد: هر دوی شما وضوی صحیح را می دانید و لکن این پیرمرد جاهل است که وضوی صحیح را نمی دانست و الآن به برکت شما می داند و آموخت و به دست شما توبه کرد.(۲) داستان های متعددی از این

۱- سوره طه، آیه ۴۴.

۲- «إِنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ مَرَّا عَلَى شَيْخٍ يَتَوَضَّأُ وَلَا يُحْسِنُ فَأَخَذَا فِي التَّنَازُعِ يَقُولُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا أَنْتَ لَا تُحْسِنُ الْوُضُوءَ فَقَالَا: أَيُّهَا الشَّيْخُ كُنْ حَكَمًا بَيْنَنَا يَتَوَضَّأُ كُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا فَتَوَضَّأْنَا ثُمَّ قَالَ: أَيُّنَا يُحْسِنُ قَالَ: كِلَاكُمَا تُحْسِنَانِ الْوُضُوءَ وَ لَكِنَّ هَذَا الشَّيْخَ الْجَاهِلَ هُوَ الَّذِي لَمْ يَكُنْ يُحْسِنُ وَقَدْ تَعَلَّمَ الْآنَ مِنْكُمَا وَ تَابَ عَلَى يَدَيْكُمَا بِبَرِّكُمَا وَ شَفَقَتِكُمَا عَلَى أُمَّه جَدُّكُمَا.» بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۳۱۹.



ص: ۸۲

دست، نقل شده که بعداً به برخی از آن‌ها مثل داستان شقرانی و امام صادق<sup>۷</sup>، و بشر حافی و امام کاظم<sup>۷</sup> اشاره خواهیم کرد. إن شاء الله.

## استفاده از برخورد تند در موارد ضروری

### اشاره

با این همه از آن‌جا که در برخی موارد تنها راه مؤثر، برخورد تند است به حسب آن‌چه در روایات آمده، معصومین: به حکم ضرورت و به اقتضای مصالح، گاه با وارد آوردن تلنگرهای روانی، مخاطب را توجه به خطایش می‌دادند و تلاش می‌کردند با این روش، او را از ورطه‌های هلاکت نجات دهند. داستان‌های برخورد امام صادق<sup>۷</sup> با شقیق بلخی، عباد بصری، ابوحنیفه و یا حتی برخورد استثنایی ائمه: با برخی از نزدیکان، در روایات نقل شده است. یکی از روایات می‌گوید: امام رضا<sup>۷</sup> خانه‌ای را خریدند و یکی از موالی خود را فرمودند که به این خانه برود؛ چون منزل او کوچک و تنگ بود. این فرد به جای تشکر و پذیرش کلام امام<sup>۷</sup> عرض

ص: ۸۳

کرد: این خانه را پدرم ساخته است! امام ۷ وقتی کج فکری او را ملاحظه کرد که چگونه به خود و اهل خود بدون جهت، فشار می آورد و گرفتار خرافه شده است، مجبور شدند با وارد آوردن تلنگری محکم، او را بیدار کرده و از این خرافه که خیلی ها به نظیر آن مبتلا می شوند، رها سازند، با آن که راوی در شأن امام رضا ۷ می گوید:

مَا رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرَّضَا ۷ جَفَا أَحَدًا بِكَلِمَةٍ قَطُّ ... ؛

من هرگز ندیدم حضرت رضا ۷ به کلمه ای علیه کسی جفا کند.

در این جا طبق روایت، حضرت فرمودند:

إِنْ كَانَ أَبُوكَ أَحْمَقَ يَتَّبِعِي أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ!؟ (۱)

اگر پدرت احمق بود، سزاوار است تو هم مثل او باشی!؟

تأکید می کنم که چنین برخوردی فقط در

ص: ۸۴

شرایط استثنایی شایسته است و از این روایت فهمیده می شود که وضعیت به گونه ای بوده است که می بایست چنین سخنی گفته شود و گرنه در غیر شرایط استثنایی، امام ۷ آن قدر دیگران را احترام می کردند که روایت شده است حضرت رضا ۷ هرگز در برابر همنشین خود تکیه ندادند. (۱)

رفق و مدارا و نرمی، دستوری فراگیر و بنیادین در اسلام و از روش های پا برجای معصومین: بوده است. در روایات متعدد آمده است:

إِنَّ اللَّهَ رَفِيقٌ يُحِبُّ الرَّفْقَ؛ (۲)

همانا خداوند، ملایم و مدارا کننده است و ملایمت و نرمی را دوست دارد.

۱- «مَا رَأَيْتُ الرَّضَا ۷ جَفَا أَحَدًا بِكَلِمَةٍ قَطُّ وَلَا رَأَيْتُهُ قَطَعَ عَلَى أَحَدٍ كَلَامَهُ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْهُ وَمَا رَدَّ أَحَدًا عَنْ حَاجِهِ يَقْدِرُ عَلَيْهَا وَلَا مَدَّ رِجْلَهُ بَيْنَ يَدَي جَلِيسٍ لَهُ قَطُّ وَلَا أَمَّا اتَّكَأَ بَيْنَ يَدَي جَلِيسٍ لَهُ قَطُّ وَلَا رَأَيْتُهُ شَتَمَ أَحَدًا مِنْ مَوَالِيهِ وَمَمَالِكِهِ قَطُّ وَلَا رَأَيْتُهُ تَفَلَّ قَطُّ وَلَا رَأَيْتُهُ تَقَهَّقَهُ فِي ضَحِكِهِ قَطُّ بَلْ كَانَ ضَحِكُهُ التَّبَسُّمَ الْحَدِيثَ.» وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۰۹.

۲- کافی، ج ۲، ص ۱۲۰.

ص: ۸۵

و از پیامبر اکرم ۹ روایت شده است:

الرَّفِقُ يُمَنُّ وَالْخُرْقُ شُوْمٌ؛<sup>(۱)</sup>

نرمی برکت، و تندئی شومی است.

و از رسول اکرم ۹ خطاب به امام علی ۷ وارد شده است:

إِنَّ هَذَا الدِّينَ مَتِينٌ فَأَوْغِلْ فِيهِ بِرَفِقٍ وَلَا تَبْغُضْ إِلَى نَفْسِكَ عِبَادَةَ رَبِّكَ؛<sup>(۲)</sup>

این دین، قوی و استوار است؛ در آن به نرمی وارد شو و عبادتِ خدایت را نزد خود، مبعوض نکن.

و در خصوص صفتِ آمر به معروف و ناهی از منکر در روایت آمده است:

رَفِيقٌ فِيمَا يَأْمُرُ، رَفِيقٌ فِيمَا يَنْهَى؛<sup>(۳)</sup>

در امرِ خود، دارای نرمی و در نهیِ خود، دارای نرمی است.

اکنون با توجه به آن چه ذکر شد، مراتب کلی امر به معروف و نهی از منکر را ذکر می کنیم:

۱- کافی، ج ۲، ص ۱۱۹.

۲- کافی، ج ۲، ص ۸۷.

۳- وسائلشيعه، ج ۱۶، ص ۱۳۰.

**الف. انکار قلبی، مرتبه ی اول امر به معروف و نهی از منکر**

اولین مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر مربوط به قلب و رفتار است. مقصود از امر به معروف و نهی از منکر در ارتباط با قلب آن است که فرد مسلمان باید در درون خود دوستدار خوبی‌ها و خوبان و بیزار از بدی‌ها و بدها باشد. انسان مؤمن وقتی نافرمانی خدا را می‌بیند، کم‌ترین وظیفه‌ای که دارد واکنش درونی است. در روایت آمده است:

فَأَنْكِرُوا بِقُلُوبِكُمْ؛<sup>(۱)</sup>

(منکر را) در دل‌هایتان زشت بشمارید.

و در روایت دیگر آمده است:

فَمَنْ لَمْ يَعْرِفْ بِقَلْبِهِ مَعْرُوفًا وَ لَمْ يُنْكِرْ مُنْكَرًا قَلْبًا فَجُعِلَ أَعْلَاهُ أَسْفَلَهُ؛<sup>(۲)</sup>

کسی که در دل، خوبی را به خوبی نشناسد و زشتی را انکار نکند، معکوس خواهد شد و قسمت بالای او پایین قرار داده خواهد شد.

۱- کافی، ج ۵، ص ۵۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۳۴.

ص: ۸۷

از مطالب روشنی که از روایات استفاده می شود و مورد فتواست این که خشنودی و رضایت به گناه دیگران حرام است و فرد راضی، استحقاقِ مثلِ عذابِ آنان را دارد:

الرَّاضِي بِفِعْلِ قَوْمٍ كَالدَّاحِلِ مَعَهُمْ فِيهِ؛<sup>(۱)</sup>

راضی به عمل گروهی، مثل شخصی است که با آنان در عمل، وارد شده است.

بعد از انکار قلبی نسبت به نافرمانی خداوند، باید این انکار در حالت و رفتارِ مسلمان، ظاهر گردد. اگر انسان متوجه عمل خلاف دیگری شد باید نسبت به او به گونه ای رفتار کند که دست از عمل خود بردارد؛ مثلاً با روی برگرداندن یا در هم کشیدن چهره، اعتراض خود را به او برساند تا به راه درست بازگردد. در روایت آمده است:

أَمَرْنَا رَسُولُ اللَّهِ ۹ أَنْ نَلْقَى أَهْلَ الْمَعَاصِي بُوْجُوهٍ مُكْفَهَرَةٍ؛<sup>(۲)</sup>

پیامبر خدا ۹ به ما امر فرمود که با اهل گناه

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۴۱.

۲- کافی، ج ۵، ص ۵۸.

ص: ۸۸

با چهره ای عبوس، برخورد کنیم.

زیرا در برخی موارد افراد اگر به همین اندازه تحت فشارِ روحی قرار گیرند و ببینند مردم به آن‌ها روی خوش نشان نمی‌دهند، متنبه شده و به راهِ صواب باز می‌گردند. آمرِ به معروف و ناهی از منکر اگر در این مرتبه نتیجه گرفت، می‌تواند به همین مرتبه اکتفا کند؛ بلکه چه بسا همان‌طور که قبلاً اشاره شد، لازم باشد به کم‌ترین اندازه اکتفا کند؛ زیرا تجاوز از آن حد، بی‌احترامی یا اذیت رساندنِ بدونِ مجوز به یک مسلمان است.

### ب. تذکر زبانی، مرتبه ی دوم امر به معروف و نهی از منکر

#### اشاره

مرتبه ی دوم از مراتبِ امر به معروف و نهی از منکر، مرتبه ی انکار به زبان یا همان تذکر زبانی می‌باشد. و این برای کسی است که از مرتبه ی اول، متنبه نمی‌شود. و ظاهراً این مرتبه از نظرِ کارآیی در شرایطِ عادی، مهم‌ترین مرتبه از امر به معروف و نهی از منکر است؛ علاوه بر ظهورِ عنوانِ امر به معروف و نهی از منکر در امر و نهی زبانی، روایاتِ فراوانی بر این مطلب

ص: ۸۹

دلالت دارد(۱) که به برخی از آن ها اشاره می شود:

فَانْكُرُوا بِقُلُوبِكُمْ وَالْفِطْوَا بِالْسِنْتِكُمْ؛(۲)

در دل هایتان انکار کنید و به زبان هایتان هم جاری کنید.

و نیز وارد شده است:

مَنْ تَرَكَ انْكَارَ الْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ (و یدِه) فَهُوَ مَيْتٌ بَيْنَ الْأَحْيَاءِ؛(۳)

هر کس نهی از منکر قلبی و زبانی (و دستی) را ترک نماید، او مرده ای در میان زندگان است.

### کاربرد روش های متفاوت در امر به معروف و نهی از منکر

در این مرتبه است که فرد به حسب شرایط و زمینه های روانی اجتماعی می تواند قالب های مناسب امر و نهی خود را به جهت تأثیر گذاری بیشتر، انتخاب کند و چه بسا با یک کلام مشتمل بر

۱- امر و نهی نوشتاری و مثل آن، میتواند جزء این مرحله قرار گیرد.

۲- کافی، ج ۵، ص ۵۵.

۳- وسائلشيعه، ج ۱۶، ص ۱۳۲.



ص: ۹۰

کنایه، زودتر به هدف خود برسد. در داستان شقرانی، امام صادق ۷ فقط با اشاره به این که شقرانی چون از أعقاب یکی از بندگان رسول اکرم ۹ می باشد و رابطه ی ویژه ای با اهل بیت: دارد به او فهماندند که شایسته نیست گناه از او سر بزنند، و با کنایه او را از شُرب خمری که متهم به ارتکاب آن بود، نهی کردند. به حَسَبِ روایت، حضرت ۷ بعد از آن که درخواست او را مبنی بر وساطت در پرداخت عطای منصور عباسی به او پذیرفتند و خود، عطا را گرفته و به او رساندند، فرمودند:

یا شَقْرَانِي إِنَّ الْحَسَنَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ حَسَنٌ وَإِنَّهُ مِنْكَ أَحْسَنُ لِمَكَانِكَ مِنَّا وَإِنَّ الْقَبِيحَ مِنْ كُلِّ أَحَدٍ قَبِيحٌ وَإِنَّهُ مِنْكَ أَقْبَحُ؛ (۱)

ای شقرانی! کار خوب از همه ی مردم خوب است ولی از تو بهتر است به خاطر جایگاهت نسبت به ما (اهل بیت): و کار زشت از همه کس زشت است ولی از تو زشت تر است.

۱- بحار الأنوار، ج ۴۷، ص ۳۴۹.

هم چنین نهی از منکر امام کاظم ۷ نسبت به بشر حافی معروف است. محدث قمی ۷ می فرماید: علامه ۷ در منهاج الکرامه نقل کرده است: روزی حضرت موسی بن جعفر ۸ از در خانه ی بشر حافی گذشت، صدای ساز و آواز، غناها و نی و رقص، از آن خانه بیرون می آمد، و در همان هنگام کنیزکی از خانه بیرون آمد تا خاکروبه ای را بر در خانه بریزد. حضرت ۷ به او فرمود: ای کنیزک! صاحب این خانه آزاد است یا بنده؟ گفت: آزاد است. فرمود: راست گفتی! اگر بنده بود از مولای خود می ترسید. کنیزک چون برگشت آقای بشر که بر سر سفره ی شراب بود، پرسید: چه باعث شد که تو دیر آمدی؟ کنیزک حکایت را برای بشر نقل کرد. بشر با پای برهنه بیرون دوید و خدمت آن حضرت ۷ رسید و عذر خواست و گریه کرد و اظهار شرمندگی نمود و از کار خود به دست شریف آن حضرت، توبه کرد. (۱) همان طور که ملاحظه می نمایید، امام ۷ فقط با یک جمله آن هم از روی کنایه،

ص: ۹۲

طوفانی در جانِ بشر به پا کردند که او را کاملاً منقلب کرد.

ولی همیشه برخورد این چینی جواب لازم را نمی دهد و باید از روش های گویاتر و صریح تر استفاده کرده، نصیحت و موعظه نمود و حتی از جملات تند و کوبنده نیز استفاده کرد.

وقتی به لطف، گوی و مدارا و خرمی

باشد که در کمند قبول آوری دلی

وقتی به قهر، گوی که صد کوزه نبات

گه گه به کار ناید چو حنظلی

در این جا به این نکته نیز باید توجه کنیم که گاهی ممکن است مرتبه ی تذکر زبانی نسبت به مرتبه ی قبل که انکار رفتاری بود، دارای هزینه و خرج کم تری باشد، روشن است که در چنین حالتی، انکار زبانی بر مرتبه ی قبل مقدم بوده و بر آن، برتری دارد؛ بلکه اگر استفاده از مرتبه ی قبل و انکار رفتاری، موجب ایذای مؤمن می شود در حالی که می توان به مقصود با کلام نرم نائل شد، لزوماً باید از روش کلامی و تذکر زبانی استفاده کرد.

ص: ۹۳

## ج. اِعمالِ قدرت، مرتبه ی سومِ امر به معروف و نهی از منکر

## اشاره

مرتبه ی سوم از مراتب امر به معروف و نهی از منکر، اعمال قدرت و به اصطلاح مرتبه ی انکار به دست است. در نهج البلاغه آمده است:

الْمُنْكَرُ لِلْمُنْكَرِ بِيَدِهِ وَ لِسَانِهِ وَ قَلْبِهِ فَذَلِكَ الْمُسْتَكْمِلُ لِخِصَالِ الْخَيْرِ؛ (۱)

گروهی، مُنکر را با دست و زبان و قلب انکار می کنند، آنان تمامی خصلت های نیکو را در خود، گرد آورده اند.

و از رسول الله ۹ روایت شده است:

مَنْ رَأَى مُنْكَرًا فَلْيُنْكَرْهُ بِيَدِهِ إِنْ اسْتَطَاعَ؛ (۲)

هر کس منکری را دید اگر می تواند با اِعمالِ قدرت آن را انکار کند.

و در روایت صحیح عبدالله بن سنان از امام صادق ۷ آمده است: مردی خدمت پیامبر اکرم ۹ آمد و از اصرار مادرش بر رفتار بسیار زشت و خلافِ عَقَّت، شکایت کرد، حضرت

۱- نهجالبلاغه صبحی صالح، حکمت ۳۷۴، ص ۵۴۲.

۲- بحار الأنوار (ط بیروت)، ج ۹۷، ص ۸۵.

ص: ۹۴

فرمودند: او را حبس کن؛ عرض کرد انجام داده ام و مشکل رفع نشده است؛ فرمودند: ممانعت کن از این که دیگران بر او وارد شوند؛ عرض کرد، این کار را هم انجام داده ام اثر نبخشید؛ فرمود: او را در بند کن. سپس اضافه فرمود:

فَإِنَّكَ لَا تَبْرَهُهَا بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ أَنْ تَمْنَعَهَا مِنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ (۱)

همانا به هیچ چیز نسبت به او نیکی نخواهی کرد که برتر باشد از ممانعت او از ارتکابِ حرام های خداوند عزوجل.

### مواردِ اِعمالِ قدرت در امر به معروف و نهی از منکر

از روایت فوق و سایر روایات استفاده می شود که انکار به اِعمالِ قدرت نیز در صورتِ تحققِ بقیه ی شرایط، جایز است. می توان گفت در جایی که انکار به ید، احسانِ محض باشد بدون آن که ضرر و ایدایی بر فاعلِ گناه لازم آید و با ممانعت عملی فقط فرد از انجام گناه بازداشته شود، به مقتضای روایات گذشته و

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۷۲.

ص: ۹۵

آیه ی شریفه ی:

(ما عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ)؛ (۱)

بر احسان کنندگان، راه مؤاخذه ای نیست.

همه می توانند مانع از ارتکابِ مُنْكَر شوند؛ مثلاً ناهی از منکر مانع شود از این که کسی بتواند واردِ مجلسِ حرامِ گردد یا با پولِ خود معامله ی حرامی را انجام دهد یا ضرری را به مؤمنی وارد آورد؛ اما وجوبِ چنین انکاری بر غیر حاکم با توجه به روایتِ معتبر ابو بصیر و غیر او در تفسیر آیه ی شریفه ی:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ)؛ (۲)

ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده ی خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ هاست، نگه دارید.

۱- سوره ی توبه، آیه ی ۹۱. البتّه آن چه در این جا به آن اشاره شده است، قدرِ متیقّن از مفادِ آیه ی مبارکه است؛ و گرنه در حقیقت، از آیه بیش از آن چه در این جا ذکر شد، استفاده می شود که در جای خود آن را مُدَلَّل نموده ایم.

۲- سوره ی تحریم، آیه ی ۶.

ص: ۹۶

ثابت نیست. (۱)

از امام صادق ۷ روایت شده است:

وقتی این آیه ی شریفه نازل شد، مردی از مسلمانان نشست به گریه کردن و گفت: من از عهده ی خودم بر نمی آمدم، خانواده هم به عهده ی من گذاشته شد. پیامبر اکرم ۹ فرمودند:

حَسْبُكَ أَنْ تَأْمُرَهُمْ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ نَفْسَكَ وَ تَنْهَاهُمْ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ نَفْسَكَ؛ (۲)

برای تو همین بس که به آن چه خودت امر شده ای، امرشان کنی، و از آن چه خودت نهی شده ای، نهیشان کنی.

و در روایتِ ابی بصیر آمده است:

تَأْمُرُهُمْ بِمَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ وَ تَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَاَهُمُ اللَّهُ عَنْهُ فَإِنْ أَطَاعُوكَ كُنْتَ وَقِيَّتَهُمْ وَ إِنْ عَصَوْكَ فَكُنْتَ قَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ؛ (۳)

۱- بلکه اگر در مواردی حتی چنین تصرّفاتِ عملی از جانبِ ولیّ امر به عنوانِ ولایت و تدبیرِ اجتماع ممنوع شود، اقدام به آن در همان محدوده از نظر زمان و مکان و شرایط، دیگر جایز نیست.

۲- کافی، ج ۵، ص ۶۲.

۳- بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۷۴.

ص: ۹۷

امر کُن آنان را به آن چه که خداوند به آن امر فرموده است و نهی کُن آنان را از آن چه که خداوند از آن، نهی فرموده است، پس اگر (در این امر و نهی) از تو اطاعت کردند، تو آنان را (از معصیت) نگه داشته‌ای، و اگر تو را نافرمانی کردند، تو وظیفه ات را انجام داده‌ای.

و وقتی وظیفه نسبت به خانواده که مؤمنین به طور ویژه مأمور به حفظ آنان از گناه می باشند فقط در همین میزان باشد، روشن است که وظیفه نسبت به دیگران، سخت تر نیست. بلی اگر گناه از گناهای باشد که می دانیم شارع مقدس، راضی به تحقق آن نیست و باید به هر وجهی از آن ممانعت به عمل آورد، در این صورت واجب است برای به پا داشتن معروف و ممانعت از منکر، اقدام عملی کرد؛ مثلاً اگر جان یا ناموس مسلمانان در معرض خطر باشد یا در مرحله ی بالاتر اگر جامعه ی مسلمین یا کُلّیت دین، مورد تهدید و تجاوز قرار گیرد، با رعایت بقیه ی شرایط، اقدام عملی واجب است؛ چنان که امام حسین ۷ قیام خود را بر اساس امر به معروف و نهی از منکر معرفی



ص: ۹۸

فرمودند. در وصیت مکتوب حضرت ۷ به محمد بن الحنفیه آمده است:

أَنْتِي لَمْ أَخْرَجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي ۹ أُرِيدُ أَنْ أَمُرَّ بِالْمَعْرُوفِ وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَسِيرَ بِسِيرَةِ جَدِّي وَأَبِي؛ (۱)

من از روی سرکشی و هوس و فساد و ظلم از مدینه خارج نشدم؛ بلکه جز این نیست که من برای به صلاح آوردن امتِ جدّم خارج شدم. من در نظر دارم امر به معروف و نهی از منکر نمایم. من می‌خواهم مطابق سیره ی جدّم رسول خدا و پدرم علی بن ابی طالب: رفتار نمایم.

### وظیفه ی حاکم اسلامی در جلوگیری از منکر

هم چنین ولی امر مسلمین نیز موظف است از راه‌هایی که در اختیار دارد، برای جلوگیری از منکر و اقامه ی معروف، اقدام‌های عملی انجام داده و متخلفین را تعزیر کرده و حدود الهی را اجرا نماید. در روایت موثق آمده است:

۱- بحارالأنوار (ط بیروت)، ج ۴۴، ص ۳۲۹.

ص: ۹۹

إِنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ حُدًّا وَمَنْ تَعَدَّى ذَلِكَ الْحَدَّ كَانَ لَهُ حُدٌّ؛ (۱)

برای هر چیزی حدی است و کسی که از آن حد تجاوز کند، بر او حد (مجازات) است.

در روایات متعدد آمده است که امیرالمؤمنین ۷ افراد متخلف را با تازیانه تنبیه می کردند. در روایتی صحیح، هشام بن سالم از امام صادق ۷ نقل می کند:

إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ۷ رَأَى قَاصًّا فِي الْمَسْجِدِ فَضَرَبَهُ بِالذَّرَّةِ وَ طَرَدَهُ؛ (۲)

امیرالمؤمنین ۷ قصه گویی (مقصود، قصه گویی لهوی مستحق مجازات است) را در مسجد دیدند، پس با تازیانه او را تنبیه کرده و راندند.

زیرا مسجد، جای قصه گویی و معرکه گیری چنین افرادی نیست.

۱- . کافی، ج ۷، ص ۱۷۵.

۲- . کافی، ج ۷، ص ۲۶۳.



ص: ۱۰۱

**عللِ عدمِ اهتمامِ لازمِ به****اشاره**

امر به معروف و نهی از منکر

در این جا مناسب است توقّفی هر چند کوتاه بر این موضوع داشته باشیم که با وجود اهمّت فراوانِ امر به معروف و نهی از منکر و آثار مثبت آن در مقیاسِ فرد، خانواده و جامعه، چرا مسلمانان اهتمام لازم را به آن ندارند و در بسیاری از موارد، انجام این دو فریضه ی بزرگ الهی با تساهل روبرو می شود؟ گذشته از علّت های عمومی که ترک هر فریضه ی الهی ممکن است مستند به آن باشد، کوتاهی در انجام این دو فریضه ی بزرگ، می تواند مستند به یکی از اموری باشد که در ذیل، مورد بررسی اجمالی قرار می گیرد:

### عدم آگاهی از اهمیت و ثمرات شیرین امر به معروف و نهی از منکر

۱. عدم آگاهی از اهمیت این دو فریضه در دیدگاه شرع و نقش آن‌ها در پیدایش اندیشه و رفتار صحیح در جامعه و ثمرات شیرینی که بر انجام درست آن‌ها مترتب می‌شود، از عوامل مهم کوتاهی در انجام این دو فریضه است. برای رفع این مشکل باید نهی از منکر و امر به معروف به عنوان یک معروف و ارزش برتر، شناسانده شود و اهمیت و اثرات مثبت آن به کمک رسانه‌های گوناگون به طور مستمر و پویا در جامعه القا گردد تا به گونه‌ای پایدار، جزء ساختار ذهنی جامعه شود. تکرار این مطالب هم در صورتی که به جا و هنرمندانه انجام پذیرد، کاملاً مطلوب است و هیچ‌گونه محذوری را پدید نمی‌آورد و به تعبیر مثل عربی: «هو المسك كلما كررته يتضوع؛ مشک است که هر دفعه تکرار شود، از آن رایحه‌ی خوش پراکنده می‌گردد.» به ویژه مواردی که از قرآن کریم بهره برداری می‌شود که امیرالمؤمنین ۷ درباره‌ی آن فرمود:

ص: ۱۰۳

لَا تُخَلِّقُهُ كَثْرَةُ الرَّدِّ وَوُلُوجِ السَّمْعِ؛ (۱)

کثرتِ تکرار و ورود آن به گوش‌ها، قرآن را کهنه نگرداند.

### عدم آگاهی از پیامدهای ناگواری ترک امر به معروف و نهی از منکر

۲. عامل دوم برای تساهل در امر به معروف و نهی از منکر، عدم آگاهی از پیامدهای ناگواری است که از ترک امر به معروف و نهی از منکر دامن گیر فرد و جامعه می‌شود. صرف نظر از استحقاق عقوبت اخروی نافرمانی خداوند، عواقبی در همین عالم در انتظار ترک کنندگان این دو فریضه ی‌الهی است. جامعه‌ای که نسبت به رفتار افرادش بی تفاوت باشد و هرگونه انحرافی را مشاهده کرد به سادگی از آن بگذرد، دچار تباهی خواهد شد و زورگویان و مفسدان، جرأت بیشتر و بیشتری پیدا می‌کنند و دیگران نیز خواه ناخواه به گناه و فساد، کشیده می‌شوند و آن قدر تباهی فراگیر خواهد شد که حتی افرادی که جدای از فساد بودند، ناگهان خود را غرق در تباهی می‌بینند. در

۱- نهج البلاغه صبحی‌صالح، خطبه‌ی ۱۵۶، ص ۲۱۹.

ص: ۱۰۴

روایت از رسول اکرم ۹ آمده است:

لَا تَزَالُ أُمَّتِي بِخَيْرٍ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى؛

تا زمانی که امت من امر به معروف و نهی از منکر نمایند و همکاری بر نیکی و تقوا داشته باشند، در خوبی می باشند.

فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نُزِعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتُ؛

و هرگاه این امور را ترک کردند، برکات از آنان برداشته می شود.

وَ سَلَّطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ؛

و برخی بر برخی دیگر مسلط می شوند (به ناحق).

وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ؛ (۱)

و برای آنان، یابوری در زمین و آسمان نخواهد بود.

و از امام صادق ۷ وارد شده است:

---

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۲۳.

ص: ۱۰۵

أَيُّمَا نَاشٍ نَشَأَ فِي قَوْمٍ ثُمَّ لَمْ يُؤَدِّبْ عَلَى مَعْصِيَةِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَوَّلَ مَا يُعَاقِبُهُمْ فِيهِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَرْزَاقِهِمْ؛ (۱)

هر نوجوانی که در میان گروهی رشد یابد و بر معصیت تأدیب نشود، اول عقوبتی که خداوند عزوجل بر آن قوم قرار می دهد آن است که روزی آنان را می کاهد.

و باز از رسول اکرم ۹ آمده است:

إِذَا أُمَّتِي تَوَاكَلَتِ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَلْيَأْذَنُوا بِوِقَاعِ مِنَ اللَّهِ؛ (۲)

هر گاه امت من، امر به معروف و نهی از منکر را به عهده ی یکدیگر ببندازند، آگاه باشند به عذابی از جانب خداوند.

و به ویژه در روایات، مکرر نسبت به تسلط اشرار بر مقدرات مردم به واسطه ی ترک امر به معروف و نهی از منکر، هشدار داده شده است. در وصیت امیرالمؤمنین ۷ که به سند صحیح در کافی نقل شده و خلاصه ی آن در نهج البلاغه نیز

۱- ثواب الأعمال، ص ۲۲۳.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۱۸.



ص: ۱۰۶

آمده است، حضرت ۷ چنین می فرماید:

لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَوَلَّى عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يَسْتَجَابُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ؛ (۱)

امر به معروف و نهی از منکر را وامگذارید که خداوند اشرارتان را بر امور شما مسلط می کند، سپس دعا می کنید و دعای شما علیه آنان مستجاب نمی شود.

و از صدر اسلام تا به امروز، شاهد تجربه های مکررِ نتایجِ هلاکتِ بارِ کوتاهی در امر به معروف و نهی از منکر می باشیم. امروز نیز ما باید نسبت به این وظیفه ی بزرگِ الهی، حساس باشیم تا نعمت بزرگ نظام اسلامی و استقلال در برابر بیگانگان را حفظ کرده و پیوسته در ابعاد کمی و کیفی به پیش برویم.

### احساسِ ضعف در شخصیتِ عمومی و دینی

۳. یکی دیگر از عوامل ترک امر به معروف و نهی از منکر، احساس ضعف در شخصیت و

۱- کافی، ج ۷، ص ۴۹؛ و نهج البلاغه صبحیصالح، نامه‌ی ۴۷، ص ۴۲۲.

ص: ۱۰۷

عدم قدرت بر ابراز خواسته های به حقّ درونی می باشد. چنین حالتی چه بسا فرد را از دنبال کردن منافع شخصی خود نیز باز دارد، چه رسد به این که شخص بخواهد در مواجهه با دیگران، متصدی امر و نهی آنان شود برای انجام معروف و ترک منکر. این حالت در حقیقت یک حیای منفی و ضدّ ارزش است در مقابل حیای مثبت که از ارزش های والا می باشد. در روایت آمده است:

الْحَيَاءُ حَيَاءَانِ: حَيَاءٌ عَقْلٍ وَ حَيَاءٌ حُمُقٍ؛(۱)

حیا دو گونه است: حیای خردمندانه و حیای احمقانه.

و در غُرُرُ الْحِكْمِ آمده است:

الْحَيَاءُ يَمْنَعُ الرَّزْقَ؛(۲)

شرم، مانع روزی شود.

و نیز:

مَنْ اسْتَحْيَا حُرْمًا؛(۳)

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۶۹.

۲- غررالحکم، ح ۵۴۷۳، ص ۲۵۷.

۳- غررالحکم، ح ۵۴۷۶، ص ۲۵۷.

ص: ۱۰۸

هر که شرم کند، محروم ماند.

بدین جهت، در روایت آمده است:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَيُبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ؛

خداوند عزوجل مبغوض می دارد مؤمن ضعیفی را که دین ندارد!

فَقِيلَ: وَ مَا الْمُؤْمِنُ الضَّعِيفُ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ؟؛

پس (خدمت حضرت ۷) گفته شد: مؤمنی که دین ندارد کیست؟

قَالَ: الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ؛ (۱)

فرمودند: آن کسی که نهی از منکر نمی کند.

برای این که این نقصان شخصیتی به ویژه در رابطه ی با امور دینی برطرف شود باید بی بدیل بودن ارزش های متعالی دین به انسان ها تذکر داده شود و به خوبی تبیین گردد که آن چه از ارزش های الهی، خداوند متعال به مؤمنین داده است، هیچ قابل مقایسه با سایر نعمت ها نیست و

ص: ۱۰۹

بر هر چیز، برتری دارد؛ چون منشأ سعادت ابدی و بی‌منتهاست که هر چیز دیگر در مقابل آن، حقیر است؛ زیرا هر چه باشد، گذرا و محدود است و نمی‌توان محدود را با نامحدود مقایسه نمود و یک روزنه به بی‌نهایت از همه‌ی عالم مادی، ارزشمندتر است. و توجه داده شود به این که قضاوت‌ها و گفته‌های نابه‌جای دیگران، نمی‌تواند واقعیت را از آن چه هست، منقلب کند. قرآن کریم و روایات معصومین: پر است از ذکر نکاتی که روحیه‌ی اعتماد به نفس صحیح را در دل مؤمنان پرورش داده و تحکیم می‌کند. در روایت آمده است:

لَوْ عَدَلَتِ الدُّنْيَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ جَنَاحَ بُعُوضِهِ مَا سَقَى عَدُوَّهُ مِنْهَا شَرْبَةً مَاءٍ؛<sup>(۱)</sup>

اگر دنیا به اندازه‌ی بال مگسی نزد خداوند عزوجل ارزش داشت، خداوند یک جرعه آب از آن را به دشمنش نمی‌داد.

و از امام باقر ۷ وارد شده است:

مَا يَضُرُّ رَجُلًا إِذَا كَانَ عَلَى ذَا الرَّأْيِ مَا

۱- کافی، ج ۲، ص ۲۴۶.

ص: ۱۱۰

قَالَ النَّاسُ لَهُ وَ لَوْ قَالُوا: مَجْنُونٌ؛ (۱)

گفته ی مردم به کسی ضرر نمی زند اگر بر آن رأیِ حقّ (ولایت) باشد، حتی اگر بگویند او دیوانه است.

بلکه با استقامت بر راهِ حقّ و انجام وظایف از جمله امر به معروف و نهی از منکر، انسانِ مؤمن به جایی می رسد که:

إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَخْشَعُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ وَيَهَابُهُ كُلُّ شَيْءٍ؛ (۲)

هر چیز برای مؤمن خاشع می گردد و هر چیزی دچار هیبت او می شود.

و این معنا نه تنها در مقیاسِ خُرد بلکه در مقیاسِ کلان نیز لباسِ حقیقت به خود می پوشد. چنان چه امروز شاهد هستیم به برکتِ جهاد مجاهدان و اخلاص شهیدان و استقامت مردم در حمایت از نظام اسلامی، عالمِ کفر و استکبارِ جهانی در برابر نظام اسلامی و جهاد گرانِ راه خدا، دچار کابوسِ وحشت و سردرگمی شده

۱- کافی، ج ۲، ص ۲۴۵.

۲- بحارالأنوار، ج ۶۷، ص ۲۴۸.

ص: ۱۱۱

است و دیر یا زود باید دست از تجاوزات و زیاده‌طلبی‌های نامشروع خود، بردارد.

### توهم ضرر بر جان و مال

۴. چهارمین عاملی که منشأ عدم اقدام برخی نسبت به وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر می‌شود، ترس بی جا بر جان و مال است. چه بسا اشخاصی که دچار توهم بوده و بی مورد فکر می‌کنند اگر اقدام به امر به معروف و نهی از منکر کنند، کسانی که مورد امر و نهی قرار گرفته‌اند، دشمنی آنان را به دل گرفته و به آنان ضربه خواهند زد و یا فکر می‌کنند در داد و ستدها طرف‌های معامله‌ی خود را از دست خواهند داد. در حالی که این‌ها توهم‌های بی‌جایی می‌باشد که شیطان برای انسان بر می‌سازد تا او را از انجام وظیفه‌اش منصرف کند. در حقیقت اگر کسی با رعایت شرایط امر به معروف و نهی از منکر و با رعایت رفق و مدارا، پند و اندرز نیکو و با عمل صالح خود، خطاکاران را ارشاد و امر به معروف و نهی از منکر نماید، محبوبیت بیشتری نزد مردم یافته و مردم در معاملات، سراغ او بیشتر رفته و بر او اعتماد می‌کنند. بدین جهت در روایت آمده است:

ص: ۱۱۲

فَإِنَّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ لَمْ يُقَرَّبَا أَجْلاً وَ لَمْ يُبَاعِدَا رِزْقاً؛ (۱)

امر به معروف و نهی از منکر، مرگی را نزدیک و رزقی را دور نکرده است.

بلی، همان طور که در شرایط امر به معروف و نهی از منکر ذکر شد، در مواردی که خطر جانی یا مالی با محاسبات درست غیر توهمی وجود داشته باشد، دیگر امر به معروف و نهی از منکر واجب نیست بلکه چه بسا حرام نیز باشد.

### فضای منفی، پرداخته ی معاندان

۵. پنجمین عاملی که موجب کُندی مردم در انجام وظیفه ی امر به معروف و نهی از منکر می شود، فضای منفی ای است که گاه منحرفین، منافقین و کفار، علیه افرادِ آمر به معروف و ناهی از منکر و اصل این وظیفه ی الهی ایجاد می کنند. این گروه، شگردهای گوناگونی را طرّاحی و عملی می کنند که باید در مسائل مختلف، و در زمان ها و مکان های متفاوت، این شگردها را شناسایی نمود و راه حلّ مناسب آن را یافت و

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۲۵.

ص: ۱۱۳

عملی کرد. معاندین و دشمنانِ حقیقت، گاهی تا آن جا پیش می روند که منکر را معروف و معروف را منکر، جلوه می دهند. چنین افرادی بدونِ در نظر گرفتن شیوعِ فساد و تباهی ای که از ناحیه ی آنان پدید می آید، افرادِ آمر به معروف و ناهی از منکر را مزاحمِ زندگی و آزادی و کسب و کارِ مردم معرفی کرده و چه بسا به آنان دشنام می دهند.

طبیعی است که راه مبارزه با چنین گروه هایی، تلاش در شکستنِ فضای پرداخته ی آنان و ریزشِ بینشِ صحیح، در جامعه است. در چنین شرایطی باید شُبّه های پدید آمده توسطِ آنان، با بیانِ محکم و رسا بر طرف شده و حقیقتِ برترِ امر به معروف و نهی از منکر تبیین گردد. قرآن کریم و روایاتِ معصومین: درباره ی پیدایشِ چنین شرایطی، هشدارهای جدی به مسلمانان داده اند. در روایت از امام صادق ۷ آمده است:

بَسَّسَ الْقَوْمُ قَوْمٌ يُعَيِّنُونَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ (۱)

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۱۷.



ص: ۱۱۴

بد گروهی هستند آنان که امر به معروف و نهی از منکر را عیب می دانند.

و در روایتی از رسول الله ۹ آمده است:

كَيْفَ بِكُمْ إِذَا أَمَرْتُمْ بِالْمُنْكَرِ وَ نَهَيْتُمْ عَنِ الْمَعْرُوفِ؟؛

چگونه خواهید بود آن گاه که امر به منکر و نهی از معروف نمایید؟

خدمت حضرت ۹ عرض شد:

يَا رَسُولَ اللَّهِ! وَ يَكُونُ ذَلِكَ؟؛

ای رسول خدا! آیا چنین خواهد شد؟

حضرت ۹ فرمود:

نَعَمْ وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ؛

بلی، و بدتر از آن!

كَيْفَ بِكُمْ إِذَا رَأَيْتُمُ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا؟؛ (۱)

چگونه خواهید بود آن گاه که معروف را منکر و منکر را معروف بدانید؟

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۲۲.

ص: ۱۱۵

## بیان یکی از بهترین روش‌های امر به معروف و نهی از منکر و تبیین کیفیت تأثیر آن

### اشاره

از بهترین راه‌های امر به معروف و نهی از منکر، ارائه‌ی الگوی رفتاری است؛ یعنی همین که انسان خودش به واجبات و مستحباتش عمل کند و محرمات و مکروهات را ترک نماید، تبدیل به یک الگوی رفتاری برای دیگران می‌شود که آن‌ها را به طرف معروف سوق می‌دهد و از منکرات دور می‌سازد. بالعکس، اگر انسان خودش وظیفه‌اش را آن‌چنان که هست، انجام ندهد امر و نهی او دارای اثر ضعیفی خواهد بود، هر چند وظیفه‌اش ساقط نیست. در روایت از امام صادق (ع) آمده است:

كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ؛ (۱)

دعوت‌کننده‌ی مردم به سوی حقّ به کردارتان باشید.

و در روایت دیگر، حضرت (ع) می‌فرمایند:

---

۱- بحار الأنوار، ج ۵، ص ۱۹۸.

ص: ۱۱۶

كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ؛ (۱)

مردم را به حق با غیر زبانتان فراخوانید.

در وصیت امیرالمؤمنین ۷ به فرزندشان محمد بن الحنفیه آمده است:

كُنْ اَخَذَ النَّاسِ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ وَ اَكْفَ النَّاسِ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ؛ (۲)

(فرزندم!) عامل ترین مردم باش به آن چه که به آن امر می کنی، و دوری کننده ترین مردم باش از آن چه نهی می کنی.

و در نهج البلاغه آمده است:

۱- کافی، ج ۲، ص ۷۸.

۲- «فِي وَصِيَّتِهِ لَوْلَيْدِهِ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَنْفِيَةِ يَا بَنِي! اِقْبِلْ مِنَ الْحُكَمَاءِ مَوَاعِظَهُمْ وَ تَدَبَّرْ اَحْكَامَهُمْ وَ كُنْ اَخَذَ النَّاسِ بِمَا تَأْمُرُ بِهِ وَ اَكْفَ النَّاسِ عَمَّا تَنْهَى عَنْهُ وَ اَمْرٌ بِالْمَعْرُوفِ تَكُنْ مِنْ اَهْلِهِ فَاِنَّ اسْتِمَامَ الْاُمُورِ عِنْدَ اللّٰهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْاَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ.»  
وسائل الشيعه، ج ۱۶، ص ۱۵۰.

ص: ۱۱۷

مِنْ نَصَبِ نَفْسِهِ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسَيِّئَاتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمٌ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنَ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ؛ (۱)

کسی که خود را پیشوای مردم قرار داد، باید پیش از آن که به تعلیم دیگران پردازد، خود را بسازد، و پیش از آن که به گفتار، تربیت کند، با کردار، تعلیم دهد؛ زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند، سزاوارتر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد.

از شاگرد دانشمند امیرالمؤمنین علی ۷ ابوالأسود دوتلی، چند بیتی در رابطه با موضوع بحث نقل شده است که آن را با اندکی تصرف می آوریم:

۱. لَا تَنْهَ عَنِ خُلُقٍ وَ تَأْتِي مِثْلَهُ

عَارٌّ عَلَيْكَ إِذَا فَعَلْتَ عَظِيمٌ؛

نهی از برخی صفات و رفتار نکن در حالی که خود، سراغ آن می روی

۱- نهج البلاغهی صبحی صالح، حکمت ۷۳، ص ۴۸۰.

ص: ۱۱۸

بر تو چنین رفتاری، ننگ بزرگی است.

۲. اِبْدَأْ بِنَفْسِكَ وَانْهَها عَنْ غَیْها

فَاِذَا انْتَهَتْ عَنْه فَاَنْتَ حَكِيْمٌ

به خود آغاز کن و نفس خود را از گمراهی نهی کن

که هرگاه نفست دست از گمراهی کشید، تو حکیم خواهی بود.

۳. فَهَناكَ يُقْبَلُ ما وَعَظْتَ وَ يُقْتَدَى

بِالفِعْلِ مِنْكَ وَ يَنْفَعُ التَّعْلِيْمُ

در آن هنگام است که پند تو پذیرفته می شود

و کردار تو، سرمشق، و تعلیم تو، نافع خواهد بود.

برتری و لزوم دعوت مردم به حق با کردار شایسته را از دو راه می توان تبیین کرد:

### الف. راه مثبت

بسیاری از مردم، متأثر از رفتار دیگران می شوند به ویژه اگر آن شخص در نظر آنان دارای موقعیت برتر باشد. کودک، رفتار پدر و مادر خود را الگو قرار می دهد، دانش آموز و دانشجو رفتار استاد را، مردم رفتار دیگرانی را که در نظر آنان دارای موقعیت برتر می باشند،

ص: ۱۱۹

متدینین رفتارِ علما را و در مجموع، افرادِ یک جامعه بلکه حتی جوامعِ گوناگون، به طورِ متقابل از یکدیگر متأثر می شوند. بنابراین در صورتی که رفتارِ فردی منطبق بر معیارهای برتر باشد، در یک فرایندِ طبیعی، دیگران را نیز به این معیارِ برتر نزدیک می کند و در حقیقت، دلالتِ عملی بر کار نیکو کرده است و پاداشِ کار نیکِ دیگران نیز به او خواهد رسید بدونِ آن که از پاداشِ آنان کاسته شود؛ زیرا:

الدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كَفَاعِلِهِ؛<sup>(۱)</sup>

کسی که راهنمایی به خوبی کند، هم چون انجام دهنده ی آن کارِ خیر است.

و نیز از رسول الله ۹ آمده است:

مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أَجْرِهَا شَيْءٌ؛<sup>(۲)</sup>

۱- . کافی، ج ۴، ص ۲۷.

۲- . کافی (ط الإسلامیه)، ج ۵، ص ۹. روایات به این مضمون متعدّد است و در موردِ پدید آوردنِ روشِ بد نیز همین مضمون وارد شده است، از جمله: «فَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا سَنَّ سُنَّةً سَيِّئَةً لِحَقِّهِ وَزُرُّهَا وَوَزُرُّ مَنْ عَمِلَ بِهَا، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (و نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَارَهُمْ) وَقَالَ سُبْحَانَهُ: (يُنَبِّئُوا الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَ آخَرَ)؛ همانا بنده هرگاه روشِ بدی را رایج کند، گناهِ آن دامنگیرش خواهد شد و گناهِ هر کسیکه به آن عمل کند؛ خداوند متعال میفرماید: «و مینویسیم آنچه را پیش داشته و آثارِ آنان را.» و میفرماید: «و در آن روز، انسان را از تمام کارهایی که از پیش یا پس فرستاده، آگاه می کنند.» بحار الأنوار، ج ۷۴، ص ۱۰۵.

ص: ۱۲۰

هرکس سنت و روش نیکی را بنیان گذارد، پاداشش از آن اوست و نیز از ثواب همه ی آنان که تا روز قیامت بدان عمل می کنند، بهره می برد بی آن که از ثواب خود آنان، چیزی کاسته شود.

### ب. راه منفی

#### اشاره

اگر کسی دیگران را به عملی فراخواند و درباره ی فوائد و ثمرات مثبت آن عمل، سخن بگوید و درباره ی نتایج بد مخالفت با آن توضیح دهد و در عین حال، خود از انجام عمل امتناع ورزد به ناچار این پرسش در ذهن دیگران پدید می آید که چرا این فرد با وجود این همه تشویق بر انجام عمل و برشمردن آثار مثبت آن و با این که در تکلیف، با شنونده مشترک است (۱)، خود

---

۱- اشتراک امر و ناهی در لزوم عمل به امر و نهی خود، با کسیکه مورد امر و نهی قرار میگیرد، مطلب بسیار واضحی است؛ بدینجهت مثلی که گفته شده: «رطبخورده چون کند منع رطب» فقط میتواند در جایی معنا داشته باشد که منعکننده و منعشونده، هر دو در معیار، مشترک باشند.

ص: ۱۲۱

طبق آن رفتار نمی‌کند؛ به ویژه اگر دعوت‌کننده و آمر به معروف و ناهی از منکر، دارای مقام علمی و موقعیت اجتماعی باشد که در این هنگام ضربه‌ی سخت‌تری را بر راه حق وارد می‌کند.

در وصیت رسول اکرم ۹ به ابن مسعود آمده است:

يا ابنَ مَسْعُودٍ! لا تَكُونَنَّ مِمَّنْ يَهْدِي النَّاسَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُهُم بِالْخَيْرِ وَهُوَ غَافِلٌ عَنْهُ، يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى: (أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ)؛ (۱)

ای پسر مسعود! از آن‌هایی مباش که مردم را به خیر هدایت می‌کنند و امر به خیر می‌نمایند در حالی که خود غافلند. خداوند متعال می‌فرماید: «آیا مردم را به نیکی امر کرده و خود را فراموش می‌کنید».

و در روایت معتبر از امام صادق ۷ آمده است:

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۰۲.



ص: ۱۲۲

إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ النَّاسِ حَسْرَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَنْ وَصَفَ عَدْلًا ثُمَّ خَالَفَهُ إِلَىٰ غَيْرِهِ؛ (۱)

از کسانی که بیشترین حسرت را در روز قیامت خواهند داشت، کسانی می باشند که حق و عدل را بیان کنند اما خود به غیر آن عمل کنند.

### رفع یک شبهه

مطلبی که در این جا نباید فراموش شود این است که کسی فکر نکند اگر احیاناً خود، عامل به معروف و تارک منکر نیست، می تواند این فریضه را ترک کند، بلکه وظیفه دارد هم خود عمل به معروف و ترک منکر کند و هم دیگران را امر به معروف و نهی از منکر نماید، ولی اگر به هر دلیل وظیفه ی اول را انجام نداد و خدای ناکرده مرتکب گناه شد، وظیفه ی دوم او یعنی امر به معروف و نهی از منکر از او ساقط نیست؛ زیرا ادله ی وجوب امر به معروف و نهی از منکر مقید نیست. علاوه آن که در برخی روایات تصریح به اطلاق و عدم تقييد شده است. در

۱- کافی، ج ۲، ص ۳۰۰.

ص: ۱۲۳

روایتی از رسول اکرم ۹ آمده است:

مُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَإِنْ لَمْ تَعْمَلُوا بِهِ كُفِّرُوا عَنْ الْمُنْكَرِ وَإِنْ لَمْ تَنْتَهُوا عَنْهُ كُفِّرُوا؛ (۱)

امر به معروف کنید، هرچند کاملاً به معروف عمل نمی‌کنید و نهی از منکر کنید، هرچند کاملاً از منکر اجتناب نمی‌کنید.

اما آیه ی شریفه که می‌فرماید:

(لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ \* كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ)؛ (۲)

چرا می‌گویید آن چه را انجام نمی‌دهید. نزد خدا بسیار موجب خشم است که سخنی بگویید که عمل نمی‌کنید!

دلالتی بر سقوط امر به معروف و نهی از منکر از تارکِ معروف و عاملِ منکر ندارد؛ زیرا:

أولاً: آیه ی شریفه به حَسَبِ شَأْنِ نَزُولِ و

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۶ ص ۱۵۱.

۲- سوره ی صف، آیات ۱-۲.

ص: ۱۲۴

برخی روایات معتبر (۱)، مربوط به کسانی است که وعده می دهند و تخلف می کنند و در حقیقت، آیه توبیخ پیمان شکنان و نیز تخلف کنندگان از وعده است. (۲)

ثانیاً: اگر به دلیل روایتی (۳) که وارد شده،

۱- در روایت معتبر هشام بن سالم آمده است: «عِدَّةُ الْمُؤْمِنِ أَخَاهُ نَذْرٌ لَا كَفَّارَةَ لَهُ فَمَنْ أَخْلَفَ فَيَخْلِفِ اللَّهُ بَدَأُ وَلِمَقْتِهِ تَعَرَّضَ وَذَلِكَ قَوْلُهُ (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبِرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ)؛ وعده ی مؤمن به برادرش، نذری است که در تخلف آن کفار نیست. کسی که تخلف کند به تخلف از خداوند آغاز کرده و خود را در معرض خشم خداوند قرار داده است و این است قول خداوند متعال: «ای کسانی که ایمان آورده اید چرا می گوئید آن چه را انجام نمی دهید.» وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۶۵.

۲- پیمان شکستن حرام است و اما آیا تخلف وعده ی ابتدایی حرام است یا نه، مورد اختلاف بین فقهاست و احوط، عدم تخلف از وعده است.

۳- در روایتی از رسول اکرم ۹ خطاب به ابن مسعود چنین آمده است: «يَا ابْنَ مَسْعُودٍ! فَلَا تُكُنْ مِمَّنْ يُشَدِّدُ عَلَى النَّاسِ وَيُخَفِّفُ عَلَى نَفْسِهِ يَقُولُ اللَّهُ تَعَالَى (لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ)؛ ای پسر مسعود! از آنان مباش که بر مردم سخت می گیرند و بر خود آسان، خداوند متعال می فرماید: چرا می گوئید آن چه را انجام نمی دهید.» مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۰۲. ممکن است گفته شود از آن جا که رسول اکرم ۹ در این روایت در صدد آن هستند که بیان فرمایند: انسان نباید عمل ناشایست دیگران را سخت بشمارد، اما در رابطه ی با کردار خود تسامح کند، و آن گاه آیه ی شریفه را بر چنین دوگانگی تطبیق می دهند، پس معلوم می شود معنای آیه، توبیخ دعوت کنندگان به حق و تارکین عمل به آن می باشد. ولی مانعی ندارد این روایت را هم به قرینه ی روایت معتبر هشام و عدم جامع عرفی ظاهر بین آن دو، حمل کنیم بر توبیخ کسانی که پیمان شکنی می کنند؛ زیرا کسی که تشدید بر مردم کند، در حقیقت می گوید: چرا تو به پیمان خود با خدای خود عمل نمی کنی و عهد خود را با پروردگار نقض کرده و حدود الهی را رعایت نمی نمایی؛ زیرا ایمان، پیمانی است بین عبد و رب و بین پیامبر و امت، پس روایت می فرماید: این نقض عهد را بر مردم سخت و بر خود آسان نگیرید.

ص: ۱۲۵

فرضاً کسی معتقد شود آیه شامل بحث مورد نظر ما هم می شود (۱)، می گوییم: نهایت آن است که آیه

۱- صرف نظر از قرینه ای از بیرون، نمی توان گفت آیه ی شریفه علاوه بر آن که پیمان شکنان را توبیخ می کند، توبیخ دعوت کنندگان بدون عمل نیز می باشد؛ زیرا بین این دو، جامع عرفی ظاهری وجود ندارد؛ چون در پیمان شکنی، سخن تهی است و تأکید بر آن است که سخن تهی نگویید، و در دعوت بدون عمل سخن تهی نیست، بلکه همراه عمل نمی باشد و تأکید بر روی عمل است و به تعبیر دیگر در این آیه ی مبارکه، ظهور در این است که اکنون که سخن گفتی و پیمان بستی به آن عمل کن و اگر نمی خواستی عمل کنی، چرا گفتی؟! گرچه در برخی موارد، آن گفتن نیز لازم بود، در حالی که در بحث ما چنین حیثیتی در کار نیست، بلکه عمل ابتداءً الزامی است و گفتن نیز الزامی است. با این همه اگر قرینه ای بر استعمال آیه در هر دو معنا باشد، می توان جامع را تفکیک بین گفتار و کردار قرار داد و مشکلی پدید نمی آید، و برگشت معنای آیه به این می شود که چرا گفتار دارید، ولی کردار نه.

ص: ۱۲۶

دلالت می‌کند که دعوت به حق، بدون عمل به آن در نزد خداوند متعال، مبعوض است اتمیا دلالتی ندارد که وظیفه‌ی امر به معروف و نهی از منکر در چنین حالتی ساقط می‌باشد.

هم چنین عبارت نهج البلاغه:

فَإِنَّمَا أُمِرْتُمْ بِالنَّهْيِ بَعْدَ التَّنَاهِي؛ (۱)

شما مأمور به نهی از منکر شدید، بعد از دوری جستن از نافرمانی.

دلالتی بر سقوط تکلیف امر به معروف و نهی از منکر هنگام نافرمانی ندارد؛ زیرا معنای جمله

---

۱- نهج البلاغه ی صبحی صالح، خطبه ی ۱۰۵، ص ۱۵۲.

ص: ۱۲۷

آن است که در مرتبه ی اول باید خود از نافرمانی اجتناب کنید و در مرتبه ی بعد دیگران را از نافرمانی باز دارید و به تعبیر دیگر فرمان به اطاعت دیگران در درجه ی بعد از اطاعت خود است، ولی منافات ندارد دو تکلیف باشد که هر کدام امتثال مربوط به خود را دارد.

بله اگر کسی خود عمل به وظیفه نکند و از روی ریا و نفاق، امر به معروف و نهی از منکر کند و بخواهد به این روش، مردم را فریب دهد، شایسته ی عذاب مضاعف خواهد بود و شاید چنین افرادی مصداق کلام امیرالمؤمنین ۷ باشند که فرمود:

لَعَنَ اللَّهُ الْأَمْرِينَ بِالْمَعْرُوفِ النَّارِكِينَ لَهُ وَالنَّاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعَامِلِينَ بِهِ؛<sup>(۱)</sup>

خداوند لعنت کند فرمان دهندگان به معروف که خود ترک معروف می کنند و باز

---

۱- نهج البلاغه ی صبحی صالح، خطبه ی ۱۲۹، ص ۱۸۷. روایت دیگری هم که در این زمینه هست مربوط به مثل منافقین و حکم رانان ستمگر می باشد و این که آنان شایستگی امر به معروف و نهی از منکر به معنای گسترده ی آن را ندارند.

ص: ۱۲۸

دارندگان از منکر که خود منکر را انجام می دهند.

خداوند متعال ما را عامل به معروف و آمر به معروف و تارک منکر و ناهی از منکر، قرار دهد و از آنان باشیم که کردارشان، تصدیق گفتارشان کند.

امام کاظم ۷ می فرماید:

إِنَّمَا شِيعَةُ عَلِيٍّ مَن صَدَّقَ قَوْلَهُ فِعْلُهُ؛<sup>(۱)</sup>

همانا شیعه ی علی ۷ کسی است که کردارش، تصدیق گفتار او کند.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

۱- کافی، ج ۸، ص ۲۲۸.

## درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری
۴. صرفاً ارائه محتوای علمی
۵. ذکر منابع نشر



بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه
۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی
۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...
۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...
۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)
۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ...
۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی
۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...
۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)
۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)
۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و ... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

